

# فقط با لغو قرارداد های اسارت آور امپریالیستی میتوان استقلال ایران را تامین کرد

اطلاعیه کمیته مرکزی  
حزب توده ایران  
رفیق  
علی  
امیر خیزی  
در گذشت



رفیق امیر خیزی  
عضو کمیته مرکزی  
حزب توده ایران  
و یکی از پیشکوتان  
جنبش کارگری  
در ایران بود

در صفحه ۸

در باره  
مجلس  
خبرگان  
و مصوبات  
آن (۲)

در شماره گذشته  
«مردم»، بحث پیرامون  
کارهای مجلس خبرگان  
و بررسی مواد مختلفی را  
که این مجلس تاکنون  
تصویب کرده، آغاز  
نمودیم. پس از نگاه  
عمومی بجزایر کار مجلس  
و چگونگی فعالیت و طرز  
کار آن، سه ماده اول  
مصوبه را مورد بررسی  
قرار دادیم. اینک دنباله  
مطالب:

بقیه در صفحه ۲

رفقای حزبی!  
هواداران و  
دوستان  
حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه ها)،  
بهایه ها و... منتشره در  
«مردم»، ارگان مرکزی  
حزب توده ایران، را با  
استفاده از تمام امکانات،  
بوسیله تریبون شکل تکثیر  
کنید و به توده های مردم  
ببرسانید. در شرایط  
حساس کنونی این یک  
وظیفه مبرم انقلابی است.

بقیه در صفحه ۷

سخنان آقای وزیر جدید دفاع، با اینکه تا  
حدودی امیدبخش است، ولی هنوز در مرحله  
حرف است، در حالیکه مردم در انتظار عمل اند  
بنظر میرسد که ۸ ماه برای امر و زبه فردا افکندن  
سر نوشت استقلال ایران بس باشد

دکتر مصطفی چمران، وزیر جدید دفاع، به محض استقرار  
بر کرسی وزارت اظهاراتی کرده است (کیهان ۸ مهر)، از جمله  
حاکمی از اینکه: «تمام پیمانهای نظامی ایران با غرب ملغی میشود  
و ایران استقلال سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را حفظ خواهد کرد»  
(صحیح تر این بود که گفته میشد: کسب خواهد کرد، زیرا هنوز  
ایران استقلال سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را تمام بدست نیاورده  
است).

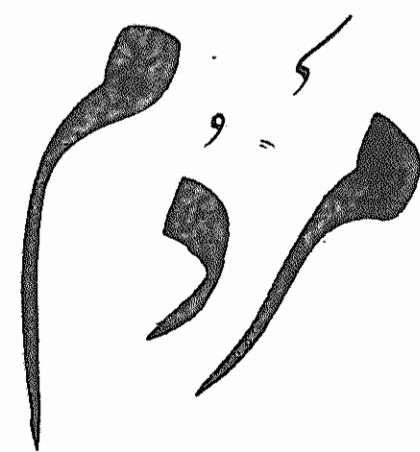
در مورد خرید اسلحه و قطعات یدکی آنها، آقای چمران گفته  
است: «مقدار زیادی از هواپیماها و هلیکوپترهای ماساخت امریکا است  
و دولت ایران سعی میکند قطعات مورد احتیاج خود را بعنوان یک  
«تجارت بدون هیچ شرط و شروطی» خریداری کند ولی اگر خرید  
بقیه در صفحه ۲

ملاك  
انقلابی بودن  
و ضد انقلابی  
بودن چیست

صفحه ۸ - ستون اول

دومین قسمت  
نطق کاسترو و  
در کنفرانس  
غیر متعهد ها

صفحه ۶ - ستون اول



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۷  
پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۵ ریال

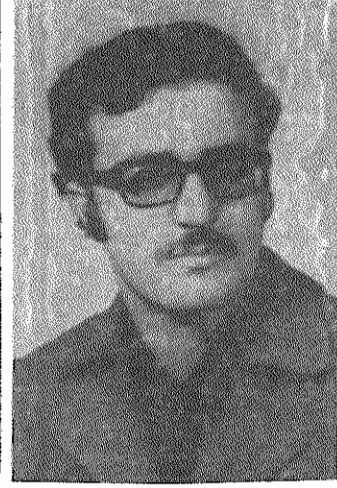
## اعتراض کاردار سفارت امریکا به اعدام سه سناتور سابق، بار دیگر ماهیت جنایتکارانه امپریالیسم امریکا را نشان میدهد

مخلوع دل میسوزاند.  
امپریالیستهای خونخوار  
امریکا، که انگار دم خروس حقوق  
بشر کذائی خود را نمی بینند، بعلمت  
«دهولت»، برای مهره های سیاه  
شاه مخلوع دل میسوزاند و این  
درست در هنگامی است که صد هازن  
و کودکو پیر فلسطینی در جنوب  
لبنان بدست شریکان اسرائیلی آنها  
قتل عام میشوند.  
امپریالیستهای امریکائی که  
گمان میکنند مردم طهران ما،  
خاطره قتل عام دست جمعی - از  
جمله زنان و پیر مردان را - در  
تل زعتر - می لای و صد ها جنایت  
نظیر آن در چهار گوشه دنیا از  
یاد برده اند، مکارانه لباس «بشر  
دوستی» به تن کاردار سفارت خود  
در تهران کرده اند، تا لایه  
«احساسات بشر دوستانه» خود را به  
بقیه در صفحه ۷

آنچه کاردار سفارت امریکا  
بعنوان اعتراض به اعدام سه سناتور  
رژیم شاه مخلوع عنوان کرده است،  
در تحلیل آخر اظهارات یک فرد  
ساده نیست. این سخنان در واقع  
بازتاب سیاست جهان خوارانه  
امپریالیسم امریکا است، سیاستی  
که مدتهاست لباس باصطلاح حقوق  
بشر، به تن کرده است. تا در زیر  
این جامه و امر قریب، ماهیت اصلی  
خویش را، که بخون کشیدن و غارت  
خلقه های جهان است، پنهان کند.  
امپریالیستهای امریکائی، که  
تا آخرین لحظه بقای نظام شاهنشاهی،  
در جنایت این رژیم نقش اصلی را  
داشتند و در طول سلطه خود بر  
ایران، علاوه بر غارت منابع کشور،  
هزاران نفر را به زندانهای قرون  
وسطائی انداختند، شکنجه کردند  
و یا به چوچه های اعدام سپردند،  
اکنون برای سه جنایتکار رژیم شاه

اعتراض کاردار سفارت امریکا  
به اعدام ۳ سناتور رژیم شاه مخلوع،  
یکبار دیگر بوضوح نشان داد که  
امپریالیسم خونخوار امریکا،  
همچنان مدافع رژیم خونخوار  
آریامهری و مهره های سوا آن  
است.  
چنانکه مطبوعات نوشتند،  
بروس ال لنگ، کاردار سفارت امریکا  
در ایران، در ملاقاتی با وزیر کشور،  
به اعدامهایی که از طریق دادگاههای  
انقلاب، پس از صدور فرمان عفو  
امام صورت گرفته، بخصوص اعدام  
سه سناتور اخیر، به دلیل «کهولت  
نشان، ایراد گرفته است»  
خوشبختانه وزیر کشور و  
سخنگوی دولت به سرعت درباره  
این دخالت آشکار امپریالیسم امریکا  
در امور داخلی ایران واکنش  
کردند و با فاش کردن این دخالت  
در مطبوعات، یک بار دیگر به همه  
مردم ما نشان دادند که امپریالیسم  
امریکا قصد ندارد از دخالت در  
امور ایران خودداری کند.

بمناسبت سالگرد شهادت  
تورج حیدری بیگوند  
جانبازی و فداکاری در راه  
آرمانهای خلقی، همراه با  
تکامل اندیشه های توانا



با فرارسیدن ۱۲ مهر ۱۳۵۸،  
۳ سال از شهادت رفیق تورج  
حیدری بیگوند بدست رژیم  
سواک میگذرد.  
سه سال پیش در چنین روزی،  
در دوران رشد ظفر نمون حرکت  
انقلابی توده ها، که دو سال و نیم  
بعد در خروش طوفانی خود رژیم  
سفاک پهلوی را سرنگون ساختند،  
جلادان وحشتزده سواک، که از  
رشد جنبش مردم سر اسامه شده بودند،  
به جنایت دیگری دست زدند و  
اینبار خون چو شان یک مبارز جوان  
بقیه در صفحه ۷

## نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به: شورای انقلاب - دولت موقت جمهوری اسلامی ایران - دادستان کل دادگاههای انقلاب درباره شهادت رفقا آذر نوش مهدویان و حسین شیانی

در جنبش انقلابی مردم ایران علیه رژیم پهلوی فعالانه  
شرکت کردند، در فرآیند تاریخی، طبق فراخوان حزب  
خود، به استقرار جمهوری اسلامی رای مثبت دادند، در  
انتخابات مجلس خبرگان، بسود کاندیداهای ضد استعمار  
و ضد استبداد شرکت کردند، پس از پیروزی انقلاب،  
روزها و شبها در مساجد و مدارس و خیابانها و میادین  
برای حفظ دستاوردهای انقلاب ایران پاسداری نمودند،  
مردم را به اتحاد و همبستگی، زیر رهبری قاطعانه امام  
خمینی، فراخواندند و برای روشن کردن افکار درباره  
بفرنجترین مسائل انقلاب ایران بیداری مردم یاری  
رساندند. آنها توده ایهای ازجان گذشته، مبارزان بیدار  
و متعهدی بودند و طبق سیاست و رهنمود حزب خود -  
حزب توده ایران - جز این هم نمیتوانستند عمل کنند.  
نسبت دادن دو رفیق شهید ما به «شرکت در

فعالیت های حزب دمکرات کردستان» نیز بکلی واهی و  
بی اساس است. مبنای این اتهام «اشتباهی» ظاهر آ وجود  
کلمه «دمکرات»، مهد نام سازمان جوانان و دانشجویان  
دمکرات ایران» وهم در نام «حزب دمکرات کردستان»  
بوده است. دادستان انقلاب در کرمانشاه، وجود این یک  
کلمه مشترک در دو نام بکلی مختلف را، که سازمانهای  
بکلی جداگانه و مختلفی اطلاق میشوند، دلیل بر تعلق  
سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات» به «حزب  
دمکرات کردستان» دانسته و چون آذر نوش مهدویان  
منازه مورد اجاره خود را در اختیار شعبه کرمانشاهان  
«سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات» قرار داده بود،  
اورا منتسب به حزب دمکرات کردستان محسوب و حکم  
اعدام وی را صادر کرده است. برای حسین شیانی،  
بقیه در صفحه ۷

بطوریکه روزنامه ها و رسانه های گروهی نیز  
بموقع خود اطلاع دادند، با امداد ۲۸ مرداد ۱۳۵۸،  
دو تن از اعضای حزب توده ایران آذر نوش مهدویان  
و حسین شیانی، که بدون ارائه حکم، بدستور دادستان  
انقلاب در کرمانشاه دستگیر شده بودند، به حکم دادگاه  
انقلاب کرمانشاه اعدام گردیدند. اتهامی که علیه آنها  
عنوان شد این بود که گویا آنها «ضد انقلابی»،  
«اخلاقگرا»، «مجرک»، «شریک در فعالیت های حزب دمکرات  
کردستان» و از شرکت کنندگان در «حوادث بساوه»  
بوده اند.  
مابین اتهامات ونسبتها را قویا رد و تکذیب  
میکنیم و اعدام آنها را یک قتل فجیع محشمیریم.  
رفقای اعدام گشته ما ضداقلابی نبودند. آنها  
انقلابیون فداکاری بودند که همانند هزاران توده ای دیگر،

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود



# آنچه امریکا باید بداند

### خوانندگان گرامی:

خوانندگان مطالب مهم و جالب همه روزنامه‌ها هر قدر هم که لازم باشد - برای همه‌کس مقدور نیست. نه وقت هست و نه امکان. ولی در بسیاری از موارد، خبرها و مطالب مهم و جالبی نوشته میشود و شخصیتها و دست اندرکاران در زمینه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و غیره اظهار نظر هائی میکنند و ارگانهای مسئول تصمیماتی را منتشر میسازند که آگاهی بر آنها لازمست. خواننده «مردم» میل دارد و حق دارد که دست کم با حداقلی از این اظهار نظر ها و موضع گیری ها و اخبار، که در سایر جراید انتشار مییابد، آشنا شود. اینست که - بدون ادعای در بر گیری همه مطالب- تنها در همان مرز «حد اقل» و تنها برای بازتاب مسائلی که در جهت عمومی پیشبرد انقلاب است، با آشنائی با آنها روشن بینی بیشتری برای مبارزه در راه پیشبرد انقلاب میدهد، شمارا بخواند نسبتون جدید «در مطبوعات کشور» دعوت میکنیم. ناگفته روشن است که چنین شرطی وجود ندارد که این نوشته‌های نقل شده دقیقاً و کاملاً با عقیده ما تطبیق کنند. خود شما هم بایریدن قطعات روزنامه‌ها و فرستادن مطالبی که بنظرتان مهم می‌آید (متممی هر چه سریعتر و با ذکر دقیق نام نشریه و تاریخ انتشار) میتوانید به ما در تنظیم این ستون یاری رسانید.

روزنامه جمهوری اسلامی (۹مهر) در سرمقاله خود تحت عنوان «آنچه امریکا باید بداند» چنین نوشته است:

کاردار سفارت امریکا در ایران، قبل از این پستی که اکنون در ایران دارد، یکی از مهره‌های وحشتناک دستگاه جبهه سپاه و وزارت امور خارجه امریکا بوده است و در وزارت خارجه با پست کفالت معاونت وزیر خدمت (۱) می‌کرده است. نامبرده روز گذشته با وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران ملاقات میکند که چه بگوید؟ امریکا از سیاست تجاویز- کارانه‌اش بر علیه خلقهای مستضعف جهان دست برداشته است؟ نه! بگوید: امریکا دیگر از تجاوزات پیکرش بحق مردم آواره فلسطین دست برآشته است؟ نه! بگوید: امریکا از آدم سوزی هایش در هیروشیما ناگازاکی- که در آن دهها هزار انسان بی‌گناه یکجا سوخته شدند - پشیمان است؟ نه! بگوید: امریکا از اسارت دردناک سیاه پوستان در چهارچوب امپریالیستی قوانین ضد انسانی در ایالات متحده شرم دارد؟ نه - بگوید امریکا از ریختن خون میلیونها انسان در سراسر جهان پشیمان شده است؟ نه. که بگوید امریکا از غارت ملت‌های ضعیف و تحت ستم توبه کرده است؟ نه که هرگز! آمده است تا به اعدام انقلابی سه جاسوس حرفه‌ای که مدت‌ها خدمت سازمان «سپاه» و در جهت نابودی فرهنگ و هویت و منابع طبیعی مردم محروم و مستضعف ایران و گسترش قدره بندی دیوانه‌های بنام محمدرضا

خان که فقط وقف برای «سپاه» «موساد» کار می‌کرد اعتراض کند آنهم بعنوان دفاع از حقوق بشر و آزادی و فضایل اخلاقی!!! ... چگونه انسان میتواند باور کند آمریکائی که در طول یکسال گذشته خون دهها هزار ایرانی را ریخته است، آمریکائی که بوسیله «سپاه» و «موساد» مسئولیت نابودی صدها هزار انسان را در این سی و اندی سال حکومت شاه مخلوع به عهده دارد، آمریکائی که بعنوان سمبل درندگی و خونخواری و جنایت در ویتمام و شیلی و ایران و فلسطین شناخته شده است بعنوان دفاع از حقوق بشر به اعدام سه مهره خطرناک خود در این منطقه اعتراض کند. این درجه و راجحت تنها در تنه‌ها از شیطان و یایک امریکایی بنام کاردار سفارت امریکا در ایران برمی‌آید.

امریکا باید بداند عصر مردم- فریبی و ریاکاری و شیطان صفتی سپری شده است. امریکا باید بداند که بوسیله بوقهای بین المللی و مطبوعات صهیونیستی نمی‌تواند خیزش جهانی محرومین و مستضعفین زمین را به عقب بیندازد. امریکا باید بداند که زمان مرگ تسلط فاشیستی آن بعنوان عصاره تاریخ جنایت و توحش در سراسر عالم فرا رسیده است و همه آزادگان و فرزندان جهان خود را برای سرنگونی این تسلط ضد انسانی متحد می‌بینند.

روزنامه جمهوری اسلامی ادامه میدهد: امریکا باید بداند که ملت ما تا آخرین قطره خون خود در مقابل عوامل پنهان و آشکار این دیو آدمیخوار ایستاده اند و تا پای شهادت برای نفی تسلط وحشتناک امریکا بر کشورهای منطقه آماده ایثارند. امریکا باید بداند که ملت ایران خلق قهرمان عرب را فراموش نخواهد کرد و در مقابل تجاوز بحق آنها ساکت نخواهد ماند.

مهم ترین نابرابری، نابرابری در استفاده از آزادیهاست (۷مهر) روزنامه انقلاب اسلامی (۷مهر) در سرمقاله‌ای تحت عنوان «کشودن افق امید» از جمله مینویسد:

امتیازها از هر نوع باید لغو گردند. مهم ترین نابرابری‌ها که باید از بین بروند، نابرابری در استفاده از آزادی است. ما ناگزیریم یکبار دیگر این واقعیت را بازگو کنیم که دستگاه سیاسی پیشین برجاست. وقتی آزادیها تجدید و تجدید میشود، در حقیقت هیچ معنائی جز تقویت همین دستگاه ندارد. بخشی از روحانیت و

روشنفکران ما اینطور میندازند که رژیم سابق از بین رفته است و رهبری ما است. دستگاه اجرایی در اختیار ما است. آزادی «تحریک» و توطئه» دادن بمعنای تضعیف رهبری است. حال آنکه:

- دستگاه اداری کشور با همان ساخت پیشین برجاست.
- دستگاه ارتش کشور با همان ساخت پیشین برجاست.
- روابط سیاسی در کشور با همان ساخت پیشین برجاست.
- تحریک های سیاسی در همه کشور با همان مقدمات و برای رسیدن بهمان نتایج برجاست. و در همه اینها مبناء تحول بنیادی نیست، بلکه بتدریج تقویت نیز شده و میشوند. دستگاهی که پیش از این مشروعیت مذهبی نداشت، اگر این مشروعیت را نیز بدست آورد، براحتی میتواند در فرصت مناسب «استبداد محبوب توده‌ها» را تحمیل کند.

روزنامه انقلاب اسلامی در جای دیگر همین سرمقاله می‌نویسد:

... فراموش نکنیم که اگر بخواهیم بکلی مانع اظهار وییان بشویم، محتاج بوجود آوردن دستگاههای فشار و اختناق میگردیم که برای نابودیشان انقلاب کردیم و هزاران شهید دادیم. و تازه با آن دستگاهها هم همانطور که رژیم سابق توانست، نمیتوانیم سانسور کامل برقرار کنیم.

- در عوض ساخت سیاسی کشور و مقام هائی که در این ساخت از حق تصمیم درباره سرنوشت کشور برخوردارند، از محدود کردن دایره آزادیها کما لاستفاده را میکنند. نه تنها انتقاد دیگران از خودشان را جرم و ضدانقلابی جلوه میدهند، بلکه مانع از آن میشوند که

## در مطبوعات کشور

### آنها که مرگ طالقانی بوايشان عروسی بود.

نماینده امام در همدان، در يك مصاحبه مطبوعاتی و رادیو و تلویزیونی از جمله گفت: «مرگ طالقانی برای عده‌ای عروسی بود، زیرا این بزرگ مرد سپری در مقابل ایجاد دوئیت و اختلافات گروه‌ها بود.» او در جای دیگری گفت: «وقتی صحبت مرحوم دکتر علی شریعتی پیش میامد، همین افراد ساواکی انقلابی نما و بعضی منبری‌ها گفته بودند عالمی و هابی شده بود.» (کوهان- ۸ مهر)

جرایم مشهودشان مورد رسیدگی قرار بگیرد. بدینسان دستگاه سابق برجا میماند و تقویت میشود و در موقع مناسب از همه محدودیت‌هایی که بوجود آمده‌اند، بسود خود بهره‌برداری میکنند.

نباید از یاد ببریم که رهبری انقلاب هنوز رهبری نیروی مخالف با رژیم پیشین است و از رژیم پیشین راس رفته و بقیه برجاست و اسباب قدرت رانین در دسترس دارد. آنچه مانع از استقرار مجدد استبداد می‌شود مردم و امام رهبر مردم است. و اگر آزادیها محدود شوند در فرصت فقدان امام ویرانکنندگی مردم، براحتی میتواند استبداد سیاه‌تازگی را بجامعه تحمیل کند.

### یک سال زندان برای حمل اعلامیه

دادگاه انقلاب گرگان باید توجه کند وقتی کسی را بجرم حمل اعلامیه - جرایم اعلامیه‌ای - به یک سال زندان محکوم می‌کند. وقتی دادگاه انقلاب اهواز دوزن زندانی را باین عنوان که حاضر به حضور در دادگاه نشدند، غیاباً محکوم به حبس ابد می‌کند - حرف ناشنیده در تاریخ زندانی چگونه می‌تواند از حضور در دادگاه امتناع کند! - وقتی... رهبری امام آسب جدی می‌بینند، بر آنها که امام را در رهبری انقلاب اسلامی ایران یاری رساننده، به نسل جوان و مسئول که امام را در مهاجرت تنها نگذاشته، فرض است با تمام قوا بکوشند، بایستند و مقاومت کنند و نگذارند انقلاب از خط امام بیرون رود.

(انقلاب اسلامی - ۹مهر)

### فتووالها در سمیرم همچنان حاکم اند

اهالی وردشت و سمیرم، در نامه‌ای خطاب به استاندار اصفهان، نوشته‌اند:

«اکثر زمین‌های منطقه وردشت ما لکن منتفذ است که بوسیله ژاندارمری و ساواک به زور از کشاورزان غصب شده است و چون بر سر این زمینها اختلاف وجود دارد، احتمال قوی دارد امسال کشته نشود.»

آنها اضافه کرده‌اند: «بعلت اینکه زمین‌های منطقه در دست فتووالها است، کشاورزان آواره شده و به عملگی روزگار میگردانند. به هم که در منطقه هستند، احتیاج شدیدی به آذوقه زمستانی دارند و چون نامدنی دیگر برف خواهد بارید و راهها بسته خواهد شد، تقاضا داریم دستور فرمائید مقدار کافی خواروبار مانند آرد، روغن، برنج و قند به این منطقه اختصاص بدهند.»

(انقلاب اسلامی - ۸مهر)

مردم - سمیرم از مناطق بسیار حساس کشور است. ادامه وضع بالا در منطقه، بهترین فرصت برای بهره‌برداری ضد انقلاب است. توجه فوری مسئولان مملکتی را به حل این مشکل و رسیدگی به خواست‌های مردم جلب می‌کنیم.

# بمناسبت سی امین سالگرد انقلاب خلق چین

اول اکتبر (نهم مهر) از روز پیروزی انقلاب خلق چین سی سال سپری گردید. مردم چین، بر رهبری حزب کمونیست چین، در سی سال پیش، در پی مبارزات قهرمانانه و جنگهای داخلی طولانی، انقلاب خلقی و ضد استعماری را در کشور پهنای خود به پیروزی رساندند و در راه ساختمان سوسیالیسم گام گذارند.

غلبه بر فاشیسم آلمان و در پی آن میلیتاریسم ژاپن در جنگ دوم جهانی، که بطور عمده در نتیجه یکبار قهرمانانه و تحسین آفرین ارتش مردم شوروی امکان پذیر گردید، از عوامل مؤثر و تضمین کننده پیروزی این انقلاب بودند. مردم ستمدیده چین، پس از پیروزی انقلاب، به نظام نوین سوسیالیستی در کشور، برای رهایی از فقر و عقب ماندگی قرون و اعصار و لغو سیستم بیدادانی که از جانب ارتجاع درونی و استعمارگران و امپریالیسم خارجی بر آنان روا میشد، امید فراوان بسته بودند و با شور و شوق و از خود گذشتگی بی‌مانندی به ساختمان زندگی نوین در کشور خود پرداختند.

در نخستین دهه پس از انقلاب، جمهوری خلق چین و حزب کمونیست چین در خانواده کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی، از پشتیبانی همه جانبه و بیدریغ این خانواده چه در عرصه جهانی و چه در ساختمان زندگی نوین، برخوردار بودند. کشور عقب مانده‌ای مانند چین، با آن سرزمین پهنای و کثرت فوق العاده جمعیت در این سالها، در پرتو کمکهای سرشار اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی موفق شد پایه‌های مادی ساختمان سوسیالیسم را بریزی کند. در این سالها در زمینه گسترش بهداشت و آموزش و فرهنگ و ارتقاء سطح زندگی توده‌های صد میلیون چین گامهای مؤثری برداشته شد.

همانگویی سیاست خارجی چین با اردوگاه سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه جهان، در عرصه بین‌المللی و میان خلقهای جهان، منزلت و مقام شایانی برای خلق چین و نظام سوسیالیستی در آن کشور کسب نمود. قدرت سیاسی و اقتصادی و نظامی اردوگاه سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی، وثیقه مصونیت چین از توطئه‌ها و تحریکات و نقشه‌های تجاویزی امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم امریکا بود. وجود جمهوری خلق چین در خانواده کشورهای سوسیالیستی، روزه سنگینی بود در کفه تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی بنفع نیروهای صلح و دموکراسی و سوسیالیسم.

اما متأسفانه، همه این جهات مثبت، با چرخش بنیادی در سیاست رهبری چین و تسلط اندیشه‌های مائوئیستی در حزب کمونیست و دولت چین یکبار دیگر گریزگون شد. مائوسه دون و پیروان او که موفق شدند با توطئه و تیرنگ قدرت سیاسی خود را در رهبری حزب و کشور مسلط سازند، با اتخاذ مواضع ایدئولوژیک و سیاسی انحرافی و بظاهر ماوراء چپ، بتدریج به راست ترین مواضع ارتجاعی، توسعه طلبی و جنگ طلبی و همکاری با امپریالیسم جهانی خریدند. هر قدر رهبری مائوئیستی چین در عرصه جهانی از مواضع سوسیالیسم و ترقی دوری گزید، به همان میزان با شتاب دوچندانی به مواضع سیاه ترین نیروهای ارتجاع و محافظ جنگ طلب امپریالیسم جهانی نزدیک شد. امروز دیگر اندیشه‌ها و نظریات مائوسه دون و پیروان وی، که مواضع ضد انقلابی و ضد سوسیالیستی خورا در پرده استتار میکنند، کاملاً عریان شده و حتی در نزد دو آتشه ترین پیروان مائوئیسم - غیر قابل توجیه و دفاعند. در واقع اندیشه‌ها و نظریات مائوئیستی بسیار زودتر از آن که انتظار میرفت به فتر و روستکسکی گرائید. امروز هواداران فریب خورده این اندیشه‌ها، با سر خوردگی و آوارگی اندیشه‌ای، کفاره این گمراهی را می‌پردازند.

دردزون کشور نیز همه امیدهای تابناک توده‌های صدمیلیونی خلق چین به یاس گرائید.

تحمیل اندیشه‌ها و نظریات نادرست و زیان بخشی که بویژه در «انقلاب فرهنگی» و در ریشه کن کردن همه نهادهای دموکراسی و آزادی در نقض موازین سوسیالیستی در اقتصاد و فرهنگ، در حزب کمونیست و کشور چین تجسم یافتند، برای مردم ستمدیده چین، محرومیت‌های فراوان و میلیونها قربانی به ارمان آورده. امروز رهبری چین در ستیزه جویی علیه کشورهای سوسیالیستی، در سیاست توسعه طلبی و تجاوز، جنگ افروزی و نظامیگری با ارتجاعی ترین و جنگ طلب ترین محافظ امپریالیستی در یک جبهه قرار گرفته است. نیروهای ترقیخواه جهان و همه دستداران صلح، دموکراسی و سوسیالیسم امیدوارند که خلق ستمدیده چین، با الهام از تجارب درخشان انقلابی خود، هر چه زودتر به این دوران کابوس و دهشت پایان بخشد و در شاهراه آزادی و پیروزی و ساختمان نظام سوسیالیستی به پیشروی خود ادامه دهد.

ماسی امین سالگرد این انقلاب پرافتخار را به همه مردم چین از صمیم قلب تبریک گفته آرزو مندیم که خلق چین سرنوشت شایسته خود را باز یابد و از نتایج انقلابی که بایک کارهای قهرمانانه و از خود گذشتگیهای دلیرانه آن خلق، در سی سال پیش، به پیروزی رسید، برخوردار گردد.

### ایران ژاندارم خلیج فارس نخواهد بود

در یادار مدنی، فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران و استاندار خوزستان، بدنیال مانور نیروی دریایی در سخنانی گفت: «ما ژاندارم خلیج فارس نخواهیم بود، اما ژاندارم ملت ایران برای حفاظت آنچه که متعلق به ایران است، خواهیم بود.»

در یادار مدنی با اشاره به مسائل موجود در صنعت نفت، گفت: «البته گروهی میخواهند صنعت نفت از کار بماند، اما این هدف هیچگاه به دست آنها نخواهد آمد.»

(کوهان- ۷ مهر)

# اسناد حزبی

## اعلامیه

### کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

### اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره انتخابات شوراهای شهر

اداری و فرهنگی ملی را اعمال میکنند که حدود آنرا قانون تعیین میکنند...

شبهه این پیشنهاد، که ماهیت آن تابع و تضمین شرکت واقعی مردم در تعیین سرنوشت خویش است، از جانب بسیاری از محافل و شخصیتهای انقلابی و مترقی نیز ارائه شد، که در این زمینه، قبل از همه، باید از نظام شورائی پیشنهادی روانشاد آیتاله طالقانی یاد کرد.

متأسفانه نه فقط این پیشنهادها مورد توجه مقامات مسئول قرار نگرفته است، بلکه تصمیم وزارت کشور درباره انتخابات شوراهای شهر نشان میدهد که دولت تصمیم دارد تشکیل شوراهای شهر را جاننشین نظام شورائی پیشنهادی آیتاله طالقانی سازد. و این نخستین و مهمترین انتقادی است که ما به این تصمیم داریم، زیرا، از پیشنهاد حزب توده ایران در این زمینه که بگذریم، نظام شورائی پیشنهادی آیتاله طالقانی بمراتب از متن لایحه قانون انتخابات شوراهای شهر، که توسط وزارت کشور انتشار یافته، کاملاً، منسجمتر و دمکراتیکتر است. از این انتقاد اصولی و اساسی که بگذریم، نقائص جدی دیگری نیز در این زمینه وجود دارد، که مهمترین آن بشرح زیرین است:

۱) در هر انتخاباتی، از جمله انتخابات شوراهای شهر، باید بقیه در صفحه ۲

روز اول مهرماه ۱۳۵۸، وزارت کشور اعلام داشت که انتخابات شوراهای ۱۵۶ شهر در روز ۱۹ و ۲۰ مهرماه ۱۳۵۸ انجام خواهد شد. روز ۴ مهرماه ۱۳۵۸ متن لایحه قانون انتخابات شوراهای شهر انتشار یافت. در همان روز وزارت کشور اعلام داشت که انتخابات شوراهای شهر در تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان و اهواز به تعویق می افتد، زیرا بعلت شرایط خاص این شهرها باید آئین نامه جداگانه ای برای انتخابات شوراهای این شهرها تنظیم شود. روزه مهرماه ۱۳۵۸ وزیر کشور ضمن توضیحاتی درباره انتخابات شوراهای شهر، تعیین اختیارات و وظایف شوراهای شهر را بیعده موقوف کرد. حزب توده ایران هنگام اعلام نظر خود درباره پیش نویس قانون اساسی، در مورد نظام شورائی در کشور پیشنهادی بشرح زیرین ارائه داد:

«حاکمیت خلق از طریق مجلس شورای ملی و شوراهای محلی منتخب مردم اعمال میشود. مجلس شورای ملی مرکب از نمایندگان منتخب تمام اهالی کشور، قدرت مرکزی را اعمال میکند و شوراهای استان، شهرستان، شهرستان، که از طرف اهالی هر یک از بخشهای مذکور انتخاب میشوند، طبق اختیارات مشخصی که بتصویب مجلس شورایی میرسد، نسبت به امور داخلی قلمرو خود و در حد مسئولیتها و وظایف خود حاکمیت خلق را اعمال میکنند. تقسیمات کشوری باید بر پایه خصوصیات ملی انجام گیرد. در واحدهای ملی، شوراهای حقوق

سال تحصیلی جدید آغاز می شود. سالی به کلی بی سابقه. برای نخستین بار دانش آموزان و دانشجویان ایرانی در حالی به کلاس درس قدم می گذارند که مردم ایران در یک نبرد عظیم انقلابی ضد امپریالیستی و ضد سلطنت فاسد استبدادی پیروزی های بزرگ به دست آورده اند. اسامی دیگر نوکران شاه مخلوع، یعنی عاملین امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم و چپاولگری و تحمیق فرهنگی و اشاعه فساد زنگ آغاز سال تحصیلی را به صدا در نخواهند آورد و دیگر، هرگز، ترهات شاه مخلوع به نام و پیام، فضای نخستین روزهای تحصیلی را زهر آگین و تلخ نخواهد کرد. اکنون دیگر هر جوان و نوجوان ایرانی، که به مدرسه و دانشگاه کام می نهد، می تواند این امید الهام بخش را در دل بهروراند که در راه خدمت به استقلال و آزادی مهن، در راه خدمت به خلق محروم و برای بهروزی به تحصیل خواهد پرداخت؛ می تواند این آینده روشن را مجسم کند که ثمره کوششهایش در راه کسب علم و فن و نصیب انحصارهای خارجی و غارتگران داخلی، خانواده متفرد و پهلوی و آیدای آن و زوالهای اجتماع نخواهد شد.

بی شک ابرهای تیره ای، که نشانی از خطر است، در افق پیداست، ولی قلب و مغز جوانان و نوجوانان ما، که در بهر رماندن انقلاب بزرگ خلقی، سهم شایسته و گران قدری داشته اند، به آن اندازه آبدیده و غنی، پر شور و پر شور است که این ابرهای تیره را با یاس انگیز و خوف بار نخواهد دید، بلکه همدارنده و تجهیز کننده خواهد یافت.

آری، آغازی بی سابقه است و این را خود جوانان دانشگاهی و نوجوانان محصل ما به خوبی می دانند، می دانند که در این پیروزی دوران ساز دانش آموزان و دانشجویان چه سهم بزرگ و فرور آفرینی دارند. از ۲۵ سال تسلط جهنمی و مرگبار محمدرضای فاسد حتی یک سال را نمی توان شاهد آورد که دانشگاهها خاموش مانده باشد و سنگر دانشکدهها و مدارس از مجاهدان و مبارزان خالی. سنتهای نبرد دانشگاهی مادر این سالهای خفقان و استبداد، بحق ما به فخر و سربلندی همه مردم ایران است. دانشجویان و دانش آموزان ما در تمام این مدت با شایستگی بیانگر خواستهای خلقهای محروم ایران شدند و هر مهرماه و آغاز سال تحصیلی را، هر آذرماه و سالگرد ۱۶ آذر تاریخی را، هر بهمن ماه و یادبود یورش به دانشگاه را و هر خاتمه سال تحصیلی را به مناسبتهایی برای همکاری مقدس و خستگی ناپذیر خود علیه رژیم سلطنتی دست نشانده وار با نا ایدایش بدل می کردند. طاقوتیان هر بار، لرنه بر اندام و ترسان از جنبش افشاگر دانشجویی، انواع تداپیر را، از خونین ترین سرکوبها تا ظریف ترین فریبها، اتخاذ می کردند، ولی هر بار با شکستی مفتضحانه روبرو می شدند. در سال فراموش نشدنی انقلاب، دانشگاهها و مدارس از مهم ترین، شعله انگیز ترین و پرتداوم ترین کانونهای انقلاب بودند. یاد آنهمه قربانی و فداکاری و ایثار را خلق ایران، و تاریخ ایران هرگز فراموش نخواهد کرد. نقش جوانان و نوجوانان دانش پژوه ما در این انقلاب بزرگ جاودانه بر سینه ها، بر عقول و بر صفحه تاریخ ثبت است.

سال تحصیلی جدید در شرایط به کلی تازه ای آغاز می شود. از یک سو دستاوردهای بزرگ انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی در برابر همه ماست و لزوم دفاع از آنها، تشبیه و تحکیم و گسترش آنها، از سوی دیگر فعالیت های خطرناک ضد انقلابی و چرخش به راست و خطر محو یا محدود کردن بسیاری از این دستاوردها و ضرورت هشجاری هر چه زرف تر و اتحاد هر چه محکمتر به خاطر رفع خطر.

این شرایط به کلی تازه، وظایف به کلی تازه ای را در برابر جوانان و نوجوانان در سال تحصیلی جدید قرار میدهد. باید همه کوشش خلاقه و نوآورانه، اصولی و پرنرزش را به کار برد تا در شرایط جدید، برداشت کهنه نداشت و با وسایل گذشته عمل نکرد. باید تحلیل مشخص وضع جدید را در تئوری دائمی آن و مسائل جدیدی که هر روز زاینده می شود و شوهه های جدید بر خورد با آنها مدنظر هر دانشجو و دانش آموز آگاه و متعهد و مسئول باشد.

### اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره مسئله کردستان

که از دهها سال پیش تاکنون، چگونگی برخورد انقلابی و اصولی به مسئله حقوق ملی خلقهای ایران را با پیگیری ارائه داده است. حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی است که پس از انقلاب پیروزمند مردم ایران، بموقع دربارله آنچه که در کردستان میگذشت، هشدار داد. حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی است که پس از بحران کردستان، راه حل انقلابی و اصولی این بحران را در بیانیه کمیته مرکزی حزب، بمناسبت حوادث اخیر کشور مورخ ۶ شهریورماه ۱۳۵۸ عرضه داشت. اینک نیز ما به فراخوان نخست وزیر، که در ستمی درست و مطابق با مصالح انقلاب مطرح گردیده، پاسخ بقیه در صفحه بعد

پس از حوادثی که در کردستان گذشت، اکنون محافل مختلف سیاسی و اجتماعی کشور به پاسخ این سؤال می اندیشند که چه باید کرد تا به جنگ برادر کشی پایان داده شود، مسئله بطور بنیادی حل شود و امکان بروز حوادث دیگر در کردستان از میان ببرد؟

آقای مهندس بازرگان نخست وزیر، در نطقی که هنگام مسافرت اخیر به مهاباد ایراد کرد، گفت: «از همه انتظار این را داریم که بما کمک کنند، همراهی کنند، تا در آن چیزی که رضای خدا و خیر امت در آنست، موفق شویم و این لکه ننگ تاریخ را، که اختلاف بین سنی و شیعه و عرب و فارس و کرد و ترک هست، از بین ببریم.» حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی است

و مشارکت اجتماعی دانشجویان و دانش آموزان ما باشد و در نهایت امر به اهداف انقلاب و تحکیم آن زبان های جدی وارد سازد.

وظیفه ماست که متوجه باشیم هر گونه هر چه و مرج و تندروی های بی موضوع و بی خردی، اما بی محتوی و سبکسرانه، می تواند بهترین وسیله برای دادن بهانه، هم به ضد انقلاب و هم به محافل راست گرای انحصار طلب باشد، می تواند بجای آن که کوشش اساسی را در جهت اتحاد همه گروهها و گرایش های انقلابی و مؤمن به نبرد ضد امپریالیستی و آزادی خواهانه متمرکز کند، به سوی نفاق و چند دستگی بکشاند، نیروها را هرز دهد و به جان هم بیاندازد و از جهت دیگری مانع جریان عادی امور تحصیلی و شرکت فعال و مؤثر در نبرد ضرور اجتماعی به خاطر پیشبرد راستین انقلاب شود.

باید متوجه و به هوش باشیم تا بتوانیم سال تحصیلی تازه را به سال اتحاد نیروهای واقعی انقلابی و مترقی، به سال انفرادی و نهائی ضد انقلابیون آشکار و پنهان و خدمت گزاران آشکار و پنهان امپریالیسم بدل سازیم. براسستی دانشگاهها و مدارس ما، که سالهای سال ندای نبرد متحد ضد شاه و ضد استعمار سر می دادند، چرا حالا نتوانند نمونه ای برای وحدت عمل همه گروهها و گرایشهای سیاسی و اجتماعی که دارای هدف مشترک ضد امپریالیستی و خلقی هستند، به دست دهند؛ بهوش باشیم و به انحصار طلبی و به هر چه و مرج مهادان ندهیم. بلوغ نسل جوان و دانش پژوه را در این دوره پرنیج-

گذار انقلابی ثابت کنیم. مردم زحمتکش ایران نگران آنند که در وضع بسیار بفرنج و بیجهت کنونی، چگونه دانشجویان و دانش آموزان ایرانی رشد اجتماعی خود را نشان خواهند داد. به یاری انقلاب خواهند شتافت، با بلوغ و درایت، پختگی و روشن بینی از یک سو هر چه جدی تر و مصممانه تر در راه کسب علم و فن و نیل به استغنائی فرهنگی و علمی کشور و در نتیجه تحکیم پایه های استقلال مهن خواهند کوشید و از سوی دیگر در صحنه اجتماعی، بیدار و آگاه، به سود انقلاب و پیشبرد آن عمل و مشارکت خواهند نمود.

باید دیگر در این نخستین روز نخستین مهر پس از سرنگونی رژیم استبدادی دست نشانده امپریالیستهای جهاننور، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، خاطره جاودانه دانش آموزان و دانشجویان پرشوری را که در پیکار دلیرانه خود به خاطر استقلال و آزادی مهن شربت شهادت نوشیدند، گرامی بداریم و سال تحصیلی را با هشجاری، با جدیت، با حس مسئولیت، با تعهد آگاه آغاز کنیم روشن بینانه، آرام و قاطع بادشوارایها و بفرنجیها روبرو شویم تا شایستگی خود را برای انجام وظائف جدید و رسالت های نو نشان دهیم!

متحد باشیم و در راه اتحاد بکوشیم! اتحاد ما ضامن پیروزی مبارزه ما در راه تشبیه، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ما خواهد بود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
اول مهرماه ۱۳۵۸

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره مسئله کردستان

بقیه از صفحه ۴

مثبت می‌دهیم و می‌خواهیم برای از بین بردن این «لکه ننگ تاریخ» به دولت موقت جمهوری اسلامی کشورمان کمک و همراهی کنیم و لذا بار دیگر و با تفصیل بیشتر، علل بروز بحران کردستان و راه حل آن را بیان داریم.

در آغاز طرح مسئله، خود را از تذکر یکرشته واقعیات ناگزیر میدانیم. پایه این واقعیات عبارت از اینست که در ایران خلقهای ستمدیده‌ای وجود دارند، که یکی از آنها خلق کرد است. این خلق طی قرون و اعصار متمادی تاریخ در میهن خود ایران، دوش بدوش همه خلقهای برادر زیسته، در ایجاد فرهنگ غنی ایران شرکت نموده و در راه آزادی و استقلال ایران جانبازیها کرده و قربانیها داده است. تاریخ شاهد آنست که خلق کرد در دورانهائی در صف مقدم همه خلقهای مسلمان قرار گرفته، و بسرکردگی مردانی چون صلاح‌الدین ایوبی، از استقلال و آزادی این خلقها و از تمدن و فرهنگ آنها علیه مهاجمان صلیبی دفاع کرده و حق بزرگی بگردن جنبش رهایی-بخش این منطقه جهان نهاده است.

پس از برقراری تسلط امپریالیسم و استبداد بر میهن ما ستم‌مندی به بخشی از سیاست دولتهای دست‌نشانده و استبدادی مبدل شد و خلقای محروم ایران زیر ستم مضاعف قرار گرفتند.

منظره عمومی اعمال این ستم و نتایج آن در کردستان چنین بود که در سرتاسر دوران حکومت خاندان پهلوی، حق انتخاب انجمن‌های ایالتی و ولایتی مصوب در قانون اساسی سابق، از خلق کرد نیز، مانند دیگر مردم ایران، سلب شده بود. خلق کرد حق مداخله در امور صرفاً محلی را نیز نداشت و همه مأموران و استانداران و فرمانداران و رؤسای ادارات از طرف شاه و دولت وی قسرستاده میشدند، که در اینجا نیازی به توصیف اعمال و خواص آن ابلیس صفتان نیست. اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان مناطق کردنشین در مجلس شوملی، گماشتگان دربار و ایادی امپریالیسم و استعمار بودند و خلق کرد در «انتخاب» آنها کمترین دخالتی نداشت. مأموران کشوری و لشکری و ساواکی، همدست با خوانین و دیگر گردنکشان محلی و مرکز نشینان طاغوتی، این خلق محروم را می‌چاپیدند. به جای آبادی و فرهنگ و بهداشت، به کردستان تانک و توپ و پلیس میفرستادند. هرگاه کاسه صبر این خلق لبریز میشد و سر با اعتراض بر میداشت، در نهایت قساوت و بیرحمی و بعنوان مبارزه با «قطاع الطریق» و «متجاسر» و «تجزیه طلب» وی را سرکوب میکردند. بارها و بارها در کردستان سیل خون مردم بیگناه برافشانده شد. مردم کرد زیر ساطور مأموران شاه مخلوع قتل‌عام میشدند و امکان رساندن حرف خود ب مردم ایران و دادخواهی از وجدان پاک هم‌میهنان خود را نداشتند. خلق کرد از حق تحصیل بزبان مادری، که شرط اساسی برآی از بین بردن بیسوادی و بالابردن سطح فرهنگ عمومی است، محروم بود. فرهنگ و هنر ملی و مردمی خلق کرد، که یکی از ارکان بزرگ معنویات و پیرا تشکیل میدهد، راهی برای رشد نمییافت. و بطور تصنعی و اجباری، بارکود و فراموشی و افول مواجه میگردد. هویت و موجودیت ملی خلق کرد مورد نفی و انکار و اهانت قرار میگرفت. در باره رشد صنعت و کشاورزی و بازرگانی و راهسازی و آبادانی و آموزش و پرورش و بهداشت و غیره اصولاً سخنی نمیتوان گفت، زیرا رژیم پهلوی کردستان را از این مواهب و نعمات محروم ساخته بود، بطوریکه از این لحاظ کردستان، در ایران محروم و عقب مانده، در ردیف عقب مانده‌ترین و محروم‌ترین مناطق کشور بود.

این بود گوشه‌ای از منظره واقعی آن کردستانی که شاه مخلوع ریاکارانه آنرا «مهد تمدن آرایی» مینامید. کلیه آنچه که گفته شد (که بخشی از آن جزو ستم همگانی بود که بر همه مردم ایران وارد میگردد، و بخش دیگر آن، ستم ملی و مختص کردها و دیگر خلقهای ستمدیده ایران بود) زندگی را برای مردم کردستان به جهنم واقعی مبدل کرده بود.

این سیاست و این وضع تا انقلاب پیروزمند مردم ایران ادامه داشت. خلق کرد در سیمای این انقلاب رمز رهایی و سعادت خود را مشاهده میکرد، و لذا با تمام توانائی در آن شرکت کرد. مردم همین مهاباد و سقز و مریوان و پاره دوش بدوش مردم تهران و قم و تبریز و مشهد و اصفهان، زیر رهبری امام خمینی، علیه رژیم پهلوی قدم‌علم کردند و هزارها قربانی دادند.

پس از پیروزی انقلاب، خلق کرد، مانند همه مردم رنج‌دیده ایران، انتظار آنرا داشت و دارد که نظام جمهوری اسلامی ایران، کلیه سیاستها و برخوردها و مناسبات طاغوتی گذشته را، که منظره کلی آن در بالا ترسیم شد، از بیخ و بن ریشه کن سازد و دروازه‌های روشن آزادی و عدالت را بروی وی بگشاید. خلق کرد از صمیم قلب آرزوی آنرا داشته و دارد که اولین حکومت ایران، که برای نخستین بار در تاریخ،

زنجیر ستم ملی را از گردن وی برداشته و حقوق ملی وی را تأمین خواهد کرد، حکومت جمهوری اسلامی ایران باشد. خلق کرد ایران را طبیعی‌ترین وطن و مطبوع‌ترین مکانها برای خود میدانند و آنچه میخواهد جدا شدن از ایران نیست، بلکه فقط اینرا خواسته و میخواهد که در چهارچوب این وطن، که از ماکو تا چاه‌بهار و از آبادان الی سرخس، همه نقاطش برای او یکسان عزیز و گرامی است، در خانواده پرمهر و محبت همه برادران ایرانی خود آزاد و بی زنجیر زندگی کند، و تا حدودی که امروز منافع همگانی انقلاب و مردم ایران اجازه میدهد، بوی اختیار اداره کردن امور صرفاً محلی اعطا گردد.

اینها بخشی از واقعیاتی بود که توجه بانها میتواند به حل عقلائی مسئله کمک کند. بنظر ما شرح مختصری که در بالا، در مورد کنه مطلب دادیم، کمک جدی به روشن شدن اذهان عمومی و طرح مسئله است، زیرا این واقعیات روشن میسازد که مسئله کردستان مسئله امروز و دیروز نیست و سی سال قبل نیست، بلکه مسئله‌ایست دارای ریشه‌های عمیق تاریخی و از احتیاجات مبرم توده‌های وسیع خلق کرد سرچشمه میگردد. بسیاری از ناظران بر حوادث در این نظرمفتق القولند که مسئله کردستان بمراتب عمیق‌تر از آنست که بتوان علت آنرا تنها با تأثیر تحریکات ضدانقلاب توضیح داد. شك نیست که آن خط‌مشی، که کار کردستان را به مقابله سیاسی و نظامی کشانید، يك خط‌مشی ضدانقلابی بود و طراحان این خط‌مشی، امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و بقایای رژیم منفور پهلوی بوده و هستند. ولی وجود توطئه و عمل ضدانقلاب، بهیچوجه نمیتواند و نباید موجب آن گردد که واقعیت اصلی، یعنی موجودیت خلق ستمدیده کرد و خواستها و نیازمندیهای بحق و عادلانه وی از مرکز توجه دور شود و بعنوان مبارزه با ضدانقلاب، این خواستها و نیازمندیها نفی گردد.

در نهایت تأسف باید بگوئیم که گاهی که میتوانست براحتی با ناخن باز شود، بدنمان حواله‌شد و کمترین بهائی که برای این چرخش ناگوار تاکنون پرداخته شده اینست که همه شاهد آنیم: سنگر بندی برادر علی برادر، ریختن خون برادر بدست برادر و مسموم کشتن محیط سیاسی کشور، محیطی که - بگفته امام خمینی - به آرامش و تفاهم حد اعلائی احتیاج رادارد. ولی تاریخ هرگز راه را بروی خرد انسانی نمی‌بندد. آنانکه جز خدمت به خلق هدف دیگری ندارند، همواره شجاعت آنرا نیز در خود مییابند که جویای راه‌حلهای درست‌تری باشند. رهبران انقلاب بارها با لفظ «کردستان بزرگ» و «کردستان عزیز» خلق کرد را مورد خطاب قرار داده است و بروی وحدت کلمه و لزوم آرامش و تفاهم تکیه خاص میکنند.

استاندار کردستان گفته است:

«... معتقدم دولت قدرت آنرا دارد که بجای اعزام نیرو و فانتوم و هلیکوپتر به منطقه کردستان، با طرف مقابل وارد مذاکره شود... اعتقاد من اینست که دولت کنونی با حسن نیت کامل آمادگی انجام مذاکره و رفع غائله را دارد و حالا اگر تعداد معدودی از افراد دولت این سلیقه را ندارند و به تشنج در منطقه دامن می‌زنند، سخت اشتباه میکنند».

استاندار آذربایجان غربی پیشنهاد کرده است که:

«کاروان خدمت و صلح و دوستی» در مناطق کردنشین ایجاد شود. روزنامه «امت» معتقد است که بعوض اتکای صرف به نیروی نظامی و مبارزه با معلولها، باید ب مردم کردستان تکیه نمود و با قطعیت علیه ریشه‌ها و علل ایجاد کننده بحران مبارزه کرد.

یکی از روحانیون مهاباد به نخست‌وزیر گفته است:

«عفو و محبت و دست‌دوستی دراز کردن، از تانک و فانتوم و دیگر سلاحها مؤثرتر است».

توده‌های مردم کردستان میگویند: ما ایرانی هستیم و با تجزیه یک وجب از خاک ایران و کاستن یک کلوخ از مرز و بوم این خاک با تمام وجود خود مخالفیم. ما تنها خواستار حقوق حقه ملی خود هستیم. ما از انقلاب بزرگ مردم ایران، که در راهش قربانیهای بسیار داده‌ایم، انتظار داریم که این خواستهای مشروع و عادلانه را برآورده سازد. ما خواستار از بین رفتن فقر و محرومیت و عقب ماندگی هستیم. ما می‌خواهیم که حیثیت انسانی ما خدشه دار نگردد. ما می‌خواهیم این حق طبیعی بما داده شود که در چهارچوب وحدت ملی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و مرکزیت قدرت دولتی، از خود مختاری اداری و فرهنگی برخوردار باشیم. بدین ترتیب بروشنی دیده میشود که علیرغم اصرار برخی از مقامات در ادامه سیاست سرکوب نظامی، در عقول و قلوب همگان، یک زمینه مردمی و معقول در باره مسئله کردستان وجود دارد. ما با احساس مسئولیت و تعهدی که در مقابل میهن، خلق و انقلاب داریم و با درک بغرنجی مسئله ملی و با فهم اینکه خرابیهای رژیم گذشته را نمیتوان یکشنبه مرمت کرد و این کار به برنامه‌ریزی، سازماندهی، تهیه کادر، وسائل و بالاخره به

زمان و محیط مساعد احتیاج دارد، می‌خواهیم در پاسخ فراخوان نخست‌وزیر، پیشنهادهای مشخص خود را، که هدف آن خارج شدن از بن‌بست و قراردادادن مسئله کردستان در مسیر سالم و صفا و اتحاد است، با ردیکر مطرح سازیم.

دولت باید این واقعیت بی‌چون و چرا را قبول کند که مسئله کردستان يك مسئله نظامی نیست تا از طریق نظامی قابل حل باشد، بلکه همانطور که در بالا شرح داده شد، يك مسئله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. لذا دولت باید سیاست خود را در کردستان بر مبنای راه حل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دهد. راه حل نظامی در بهترین حالت فقط مسکن است و نه علاج، آنهم مسکنی که پس از آنکه تأثیرش سیری شده، ممکن است دردهای بس شدیدتری را بدنبال داشته باشد، که مادر گذشته بارها و بارها شاهد آن بوده‌ایم.

لذا به دولت پیشنهاد میکنیم: بی‌درنگ به عملیات نظامی پایان دهد، آتش بس اعلام کند، محاکمه و صدور رأی در دادگاههای انقلاب را متوقف سازد و آمادگی خود را برای مذاکره و حل مسالمت‌آمیز و سیاسی مسئله کردستان اعلام نماید. توده‌های آگاه و روشن بین خلق کرد باید این واقعیت بی‌چون و چرا را، که خود بر آن واقفند، امروز عمیق‌تر درک کنند که سرنوشت خلق کرد بطور ناگسستگی با سرنوشت همه مردم ایران بستگی دارد و آزادی این خلق از زیر یوغ ستم ملی و اجتماعی در گرو پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ایران است. جستجوی آزادی و عدالت در خارج از این صراط مستقیم زحمتی است بی‌هوده، که جز سرگردانی و گمراهی و فاجعه‌چیزی ببار نمی‌آورد.

لذا به توده‌های آگاه و روشن بین خلق کرد پیشنهاد میکنیم: بانام نیرو و ابتکار انقلابی و شجاعت معنوی خود از درگیری با نیروهای دولتی و پاسدار احتراز کنید و برای پایان دادن به محیط مسموم و بحران‌زای ناشی از حوادث ناگوار اخیر، برای ایجاد محیط سالم و آرام بمنظور مذاکره و حل مسالمت‌آمیز و سیاسی مسئله کردستان، یافتن زبان مشترک و تفاهم با دولت جمهوری اسلامی ایران و سرانجام تحقق حقوق حقه ملی خود، از هر امکان و فرصت و وسیله مسالمت‌آمیزی استفاده کنید.

خلاصه آنکه، ما به دو طرف پیشنهاد میکنیم: **بیدارک و همزمان به عملیات نظامی پایان دهند و آمادگی خود را برای مذاکره و یافتن راه حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسئله کردستان اعلام دارند.**

مذاکره برای یافتن راه حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسئله کردستان برای رسیدن به تفاهم مبرم زیرین است:

- ۱- تأمین خواستهای بحق و مشروع مردم کردستان در زمینه پایان دادن به محرومیت‌های ملی.
  - ۲- تأمین اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی برای ریشه کن ساختن عوامل امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم، ارتجاع و رژیم پهلوی در منطقه کردستان و در سراسر ایران.
- بنظر ما، تشکیل شوراهای - آنطور که فقید سعید آیت‌الله طالقانی پیشنهاد میکرد و بتصویب امام خمینی و شورای انقلاب هم رسیده بود - میتواند زمینه‌مناسبی برای مذاکره بمنظور تبیین بهدفعات فوق باشد.

چنین است پیشنهادهای ما، که البته میتواند، بکمک پیشنهادهای سایر نیروهای انقلابی، کاملتر، عمیق‌تر و کاراتر شود. ما با احساس مسئولیت کامل در برابر مردم ایران، خلق کرد و انقلاب ایران، با واقع‌بینی انقلابی و اصولی این پیشنهادها را طرح کرده‌ایم و همانطور که در بیانیه کمیته مرکزی حزب بمناسبت حوادث اخیر کشور، مورخ ۶ شهریور ۱۳۵۸، تأکید شده است، آماده‌ایم تمام نیرو و امکان خود را برای حل مسالمت‌آمیز و عادلانه مسئله کردستان بکار ببریم. ما امیدواریم این پیشنهادها و سایر پیشنهادهای ناشی از حسن تعهد و مسئولیت، مورد قبول مقامات دولتی و مسئول قرار گیرد. در آن صورت آب بر آتش پاشیده و سنگرها برچیده خواهد شد و برادران به آغوش هم باز خواهند گشت. در آن صورت عمال امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ایادی شاه مخلوع منفرد و برملا و بدست خود خلق سرکوب خواهند شد، دیگر زمینه و بهانه و دستاویزی برای تحریک و توطئه نخواهند یافت.

مسئله کرد يك واقعیت خلقی و انسانی است. ضدانقلاب میکوشد از آن علیه انقلاب سوءاستفاده کند. دلیلی ندارد که انقلاب از این واقعیت بسود خود حسن استفاده نکند و با قبول حقوق عادلانه یک خلق، آنرا بسر باز و فسادار خود مبدل نسازد.

کمیته مرکزی

حزب توده ایران

۲ مهرماه ۱۳۵۸

بخش دوم از سخنرانی رفیق فیدل کاسترو  
در کنفرانس غیرمتعهدها در هاوانا

# توطئه‌ها و تجاوزگری‌های امپریالیسم امریکای چین علیه خلق‌ها



خلق قهرمان فلسطین از سرزمین زادبومی خود محروم و از میهن خود رانده شده است. سرنوشته این خلق تجسمی از قهرمانی و فداکاری و میهن پرستی و در عین حال نمودار بارز جنایت بزرگ دوران ماست. خواست برحق این خلقها و دیگر خلق‌های کشورهای عرب، طی بیست سال، همواره از پشتیبانی همه نیروهای ترقیخواه و جنبش ما برخوردار بوده است. سرزمین خلق فلسطین و دیگر کشورهای عرب (سوریه، اردن و مصر) قطعه قطعه بوسیله تجاوزکاران، که تاندان با مدرنترین اسلحه‌های متازن امریکا مسلح بودند، اشغال شده است. اما تمام قطعنامه‌های سازمان ملل متحد از جانب تجاوزکاران و متحدین امپریالیستی آنها با بی‌اعتنائی تلقی ورد میشوند.

امپریالیسم، با کوشش برای کشاندن برام خیانت و ایجاد نفاق، تصمیم دارد صلح مورد نظر خود را در این منطقه تحمیل کند. صلح مسلح، صلح غیرعادلانه و خونبار، که هرگز صلح واقعی و پایدار نخواهد بود.

موافقتنامه کمپ دیوید خیانت آشکار است بمنافع اعراب، خیانتی است نسبت به خلق فلسطین، خلقهای لبنان، سوریه، اردن و بسمه خلقهای عرب از آنجمله مردم مصر. این موافقتنامه‌ها در عین حال خیانتی است نسبت به همه خلقهای ترقیخواه، که در سازمان ملل متحد و همه مجامع بین‌المللی همواره از حلال‌عادلانه بحران خاور نزدیک، بطریقی که برای همه قابل قبول و دارای ضمانت باشد، جانبداری کرده و میکنند. برپایه چنین موافقتنامه‌های غیرعادلانه و برپایه یک چنین سیاست مزورانه و برپایه خیانت به منافع خلقهای عرب نمیتوان صلح را در این منطقه برقرار ساخت.

در این منطقه، امپریالیسم میخواهد بجای یک ژاندارم، دو ژاندارم، یعنی اسرائیل و مصر را علیه خلقهای عرب و خلقهای آفریقا در اختیار داشته باشد. آخر اگر میان مصر و اسرائیل صلح برقرار شده پس چرا اسلحه تسلیحات امریکا به آنجا سرازیر میشود؟ گرچه این تسلیحات از حیث کیفیت در سطح نازلتری از تسلیحاتی است که در یک زمان به اسرائیل داده میشد، ولی آیا این تسلیحات برای آن نیست که بر علیه خلقهای دیگر این منطقه از آنجمله خلق مصر بکار برده شود؟

در سیاست بین‌المللی رعایت موازین اخلاقی ضرور است. جنبش کشورهای غیرمتعهد موظف است که حداقل با قاطعیت موافقتنامه‌های کمپ دیوید را محکوم کند.

طی دهها سال، ماناظر توطئه‌ها و تحریکات امپریالیستها در زیمبابوئه بودیم. در این سرزمین شش میلیون آفریقایی در زیر سلطه اسارت‌بار و جابرانه یک مشیت اقلیت فاشیست خونخوار عذاب میکشند. جنبش ما موظف است با قاطعیت به اصطلاح حل و فصل در این کشور و رژیم دست‌نشانده موزوروا را محکوم کند و از جنبه میهن پرستان، یگانه نماینده واقعی خلق زیمبابوئه، حداکثر پشتیبانی خود را ابراز دارد.

چرا نژاد پرستان رودزیا و جمهوری آفریقای جنوبی بخود اجازه میدهند هر روز سرزمین سوزامبیک، زامبیا، آنگولا و بوتسوانا را بربایران کنند و هزاران تن از مردم این کشور را بقتل برسانند؟ علت چیست که تجاوزگران صهیونیستی هر روز اردوگاههای آوارگان فلسطین و شهرها و دهات لبنان را مورد حملات هوایی و آتش توپخانه قرار میدهند؟

این حملات و تجاوزها بامدرنترین ابزار آدمکشی و ویرانگری انجام میکنند. چه کسی این تسلیحات را در اختیار آنان میگذازد؟ آیا این واقیعت دلائل غیر قابل انکاری بر نقش تجاوز کارانه امپریالیسم نیست و نشانه آن نیست که امپریالیستها چه نظامها و نظامهایی را میخواهند بر این سرزمینها تحمیل کنند؟ آیا این اعمال را جز جنایت چیز دیگری میتوان نامید؟ آیا این شیوه‌ها و روشها،

با آن چیزی که آلمان فاشیستی در زمان خود اعمال و موعظه میکرد، تفاوت دارند؟ مشکل دیگر قاره آفریقا، مسئله صحرائی باختری است. مازحق مردم قهرمان این سرزمین به استقلال و از نماینده قانونی آن، جبهه پولیساریو، پشتیبانی میکنیم. ماز مردم قبرس در مبارزه علیه مداخله و اشغال خارجی، در راه برقراری صلح و بخاطر همزیستی برادرانه میان تمام گروههای ملی در این کشور حمایت میکنیم.

موضع کوبا نسبت به مسائل جنوب خاوری آسیا روشن و مفهوم است. ویتنام برای مردم کشور ما مقدس است. در دوران ماهیج خلقی مانند خلق ویتنام بخاطر آزادی ملی و رشد آگاهی خلقها مصیبت و محرومیت نشده و به این مقیاس بزرگ فداکاری و از خودگذشتگی نشان نداده است. و هیچ خلق دیگری یک چنین ودیعه گرانقدری در مبارزه بخاطر آزادی ملی و رشد آگاهی خلقها در مبارزه ضد امپریالیستی از خود نگذاشته است. سرزمین ویتنام آماج چهار بار بیش از آنچه در تمام دوران جنگ جهانی دوم بمب بکار برده شده، گردید. در ویتنام پوزمه مقتدرترین کشور امپریالیستی بخلک ماییده شد. حماسه ویتنام بسمه خلقهای جهان نشان داد که هیچ قدرتی نمیتواند بر خلقی که عزم راسخ برای مبارزه بخاطر آزادی خویش دارد، پیروز شود.

مبارزه خلق ویتنام در عین حال مبارزه‌ای بود بخاطر شرف و حیثیت همه خلقهای ستمدیده جهان. اکنون که ویتنام از نو به آماج توطئه‌ها و اتهامات امپریالیسم امریکا تبدیل شده و قربانی تجاوزکاری خائنانه دسیسه‌های دولت چین گردیده است، کوبا با قاطعیت از خلق ویتنام جانبداری میکند.

چه کسی به چین حق داده است که به سرزمین این کشور تجاوز کند، هزاران تن از اهالی این کشور را بقتل برساند و دستاوردهای این خلق را نابود سازد و این جنایات را در درس آموزی به ویتنام، عنوان کند؟

دارودسته زمامداران چین، پینوشه را حمایت میکنند، از تجاوز جمهوری آفریقای جنوبی علیه آنگولا پشتیبانی میکنند، از شاه مخلوع ایران و ساموزا حمایت میکنند، از سادات پشتیبانی میکنند و اسلحه در اختیار او میگذازند محاصره کویارا از جانب امپریالیسم امریکا و وجود پایگاه نظامی دریائی امریکادر گواتاناما سرزمین کویارا موجه میدانند. رهبری چین از پیمان نظامی تجاوزکار ناتو حمایت میکند و با ایالات متحده امریکا و نیروهای ارتجاعی اروپا و سراسر جهان در جنبه واحدی قرار میگردد. آیا این رهبری حق دارد بدیگران درس آموزی کند؟

موضع کوبا در مسئله کامبوج کاملاً روشن است. ماشورای انقلابی رایگانه دولت قانونی جمهوری توده‌ای کامبوج میشناسیم. ما با قاطعیت رژیم آدمخوار پل پیت و ینگ ساری را محکوم میکنیم. این رژیم متهم به قتل سه میلیون نفر از مردم کامبوج است. ما با قاطعیت از مبارزه خلق کره در راه احیاء وحدت کشور خود پشتیبانی میکنیم. ما تجزیه و اشغال بخشی از این کشور از جانب واحدهای نظامی ایالات متحده امریکارا محکوم میکنیم. امپریالیسم امریکا، چنانکه وعده داده، نه تنها نیروهای مسلح خود را در این کشور کاهش نمیدهد، بلکه آنها را افزایش میدهد و بر ظرفیت تجارزی آنها میافزاید.

در برابر این تجاوزات و توطئه‌ها، جنبش کشورهای غیرمتعهد موظف است که وحدت خود را حفظ کند و برای حل مسالمت آمیز هر گونه اختلاف نظری که میان اعضای این جنبش پدید می‌آید، بکوشد. جنبش ما موظف است تصمیمات خود را بر مبنای عدالت، واقع‌بینی و منطق سیاسی اتخاذ کند.

ادامه دارد.

## دنباله اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره انتخابات شوراهای شهر

بقیه از صفحه ۴

آزادیهای دمکراتیک: آزادی بیان، قلم، مطبوعات، احزاب، سندیکاها، اجتماعات، تظاهرات و... همه جانبه و اکیدا تامین و تضمین گردد، تا هم رای دهندگان بتوانند با آگاهی و آزادی کامل در تعیین سرنوشت خویش شرکت کنند و هم نامزدهای انتخاباتی بتوانند با آزادی کامل و با استفاده از تمام امکانات برنامه خویش را به مردم ارائه دهند.

در شرایطی که بسیاری از احزاب، سازمانها، گروهها و مطبوعات ملی و دمکراتیک یا از فعالیت آزادانه و قانونی ممنوع اند یا فعالیت آنها محدود شده است، در شرایطی که جو ناساعدی برای ابراز نظر و فعالیت سیاسی، بویژه برای نیروهای راستین چپ، ایجاد کرده‌اند، چگونه میتوان از تامین و تضمین شرکت آگاهانه و آزادانه مردم - اعم از رای دهندگان و نامزد های انتخاباتی - در انتخابات شوراهای شهر سخن گفت؟

۲) وزارت کشور، پس از آنکه تاخیر در آغاز کار، با تصمیمات خود در مورد انتخابات شوراهای شهر، این محدودیت را بازم محدودتر کرده است. زیرا چگونه مردم میتوانند فقط طی یک هفته (نامزدهای انتخاباتی باید در ۱۲ مهر خود را معرفی کنند) با نامزدهای انتخاباتی و برنامه‌های آنان آشنا شوند؟ چگونه نامزدهای انتخاباتی میتوانند طی این مدت کوتاه مردم را با خود و برنامه‌های خود آشنا کنند؟ علاوه بر این، تمویق انتخابات شهری، به این علت که «باید آیین‌نامه جداگانه‌ای برای انتخابات شوراهای شهر تنظیم شود»، نشانه آشکاری است از فقدان مطالعه کافی، از وجود شتاب برای برانجام رساندن این امر مهم است. ولی این عجله برای چیست و چه سودی دارد؟

۳) بدون اینکه بخواهیم در اینجا وارد جزئیات متن لایحه انتخابات شوراهای شهر بشویم، باید در اینجا به عدم رعایت یک اصل دمکراتیک در مورد تشکیل انجمن نظارت انتخابات اشاره کنیم. اعتقاد مایست که در هر انتخاباتی، از جمله در انتخابات شوراهای شهر، انجمن نظارت انتخابات باید از نمایندگان احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی تشکیل شود، زیرا رعایت این اصل بهترین وسیله برای تامین صحت انتخاب است. ولی این اصل در مورد تشکیل انجمن نظارت انتخابات شوراهای شهر رعایت نشده است.

۴) وزارت کشور انتخابات شوراهای شهر را اعلام کرده، ولی اختیارات و وظایف شوراهای شهر را مشخص نکرده و تعیین آنرا بیحد و موقول ساخته است. چگونه مردم میتوانند در انتخابات شرکت کنند که حدود اختیارات و وظایف ارگانهای انتخاب شونده آن هنوز مشخص نیست؟ علاوه بر این، تعیین اختیارات و وظایف شوراهای شهر بعهده وزارت کشور و هیئت وزیران، یعنی قوه مجریه گذاشته شده است و این یا محتوای دمکراتیک نظام شورائی مغایرت دارد.

حزب توده ایران با توجه به ایرادات اصولی و اساسی که به تصمیم وزارت کشور در مورد انتخابات شوراهای شهر وارد است، و همچنین فقدان مطالعه کافی و شتابزدگی که در این امر مرم مشاهده میشود، از دولت و همه مقامات مسئول میطلبد که اولاً انتخابات شوراهای شهر را در تمام کشور بتاخیر ازند، ثانیاً در رفع این ایرادات اصولی و اساسی بکوشند، و در هر یک از اینها محتوی واقعی دمکراتیک تشکیل شود و حق رأی تعیین سرنوشت خویش تامین گردد. حزب توده ایران همه نیروهای انقلابی، ملی و دمکراتیک نیز می‌طلبد که در این راه مجدداً بکوشند.

شایان ذکر است که با توجه به ایرادات اصولی و اساسی فوق، نتایج انتخابات شوراهای شهر از هم آسون روشن است، نتایجی که نمیتوان آنرا کاملاً دمکراتیک و منطبق با خواستههای اکثریت مردم دانست. با اینهمه، اگر وزارت کشور در اجرای تصمیم خود پافشاری کند، حزب توده ایران، با حفظ انتقادات اصولی و اساسی خود، در انتخابات شوراهای شهر شرکت میکند، زیرا معتقد است که بدینوسیله اولاً میتوان مردم را با بافتلر این قانون آشنا ساخت. ثانیاً میتوان مردم را با حقوق و وظایف آنها در این زمینه آشنا کرد. ثالثاً میتوان - در همان حدی که ممکن است - نمایندگان واقعی مردم را به شوراهای فرستاد. رابعاً میتوان در حد همین قانون ناقص هم در شوراهای از حقوق مردم دفاع کرد. حزب توده ایران در عین حال آماده است که با تمام احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای انقلابی، ملی و دمکراتیک در زمینه قانون انتخابات شوراهای شهر، اختیارات و وظایف شوراهای شهر، تنظیم برنامه مشترک و لیست مشترک، بمنظور شرکت در انتخابات شوراهای شهر، به تبادل افکار بپردازد.

## کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۸ مهرماه

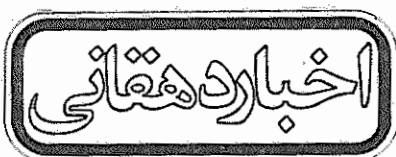
### به استخدام مجدد کارگران شرکت پرژیان رسیدگی کنید

بنابگفته یکی از کارگران، شرکت آنها را بعد از پرداخت قسمتی از حقوق و مزایایشان در اسفند، دیگر کارگر شرکت بحساب نمی‌آورد. اینک که شرکت شروع بکار کرده، این کارگران را حمله کرده‌اند، ولی آنها را استخدام نکرده‌اند. بنا به اظهار یکی از کارگران، شرکت عده‌ای از کارگران را، که برای احقاق حقوق خود مبارزه کرده‌اند، استخدام نمیکند. یکی از کارگران میگفت: در گذشته برای یکروز مرخصی در روز از حقوقمان کم میکردند و اگر حرف میزدیم به ضد اطلاعات پساگاه نیروی هوایی جلب میشدیم، ولی حالا دیگر نمیتوانند.

□ یکی از کارگران میگفت: در گذشته برای یکروز مرخصی در روز از حقوقمان کم میکردند و اگر حرف میزدیم به ضد اطلاعات پساگاه نیروی هوایی جلب میشدیم ولی حالا دیگر نمیتوانند

عده‌ای از کارگران پرژیان، که قسمتی از فعالتهای ساختمانی شرکت چکش را در پل فسا برای نیروی هوایی انجام میدهند، خواهان رسیدگی بوضع استخدامی خود هستند. این کارگران بعلمت تعطیلی کار شرکت از تاریخ ۱۰ دی ۵۷ بیکار شده‌اند. شرکت در اواخر تیر ۵۸ شروع بکار کرده است. در اسفند ۵۷ این کارگران موفق شده‌اند قسمتی از حقوق و مزایا را بابت ۳ ماه تعطیل شرکت دریافت کنند و برای حدود ۴ ماه تعطیلی، یعنی از اسفند تا تیر چیزی دریافت نکرده‌اند.

# اربابان در ده لکن کیشان جور شده اند چون در کمیته دوستان آنها جا خوش کرده اند



تیر از روستای لکن کیشان رسیده است که در بالای شاندرمن قرار گرفته، ولی وضعی که در آنجا هست برای خیلی از دهقانان نمونه وار است. عده ای از دهقانان این روستا با دادن قسط و اجاره و پرداختن سبزی سنگین صاحب نسق خود شده بودند و عده ای هم به شیوه مناصف کاری کار میکنند، اما از آنجا که در بسیاری از نواحی اربابان بسز زمینهای سابق بازگشته و از جانب دولت هم دفاعی از دهقانان ندیده اند، و برعکس، بنام «قدس مالکیت»، از غارتگری و زورگویی اربابان حمایت شده، حالا اربابان شیر شده و جسات پیدا کرده و میخواهد زمینهای سابق را پس بگیرد و دهقانان را بیرون و آواره کند.

در این ده، توکلی، که از فتوای الهی محل است، در روز سه شنبه ۵۸ ر ۶، با عده ای چماق بدست به کشاورزان، که مشغول جمع آوری محصول خود بودند، حمله میکند. توسل به چماق بدستان در این

ماها کار رایجی شده چون دهقانان را نمی توان فریفت و جز بزور نمیتوان حق آنها را گرفت. و چون مقامات دولتی و کمیته ها هم عکس العملی به سود دهقانان نمیکند، اربابان جری شده اند و چماق بدستان خود را که سابقا مورد استفاده دولت شاه مخلوع قرار میگرفتند، یا افرادی را که بر اثر بیکاری و گرسنگی و آوارگی، اجیر میشوند بهره عملی تن میدهند، بجان دهقانان می اندازند. علیرغم حکم معروف «محصول از آن کسی است که زراعت کرده»، ارباب چپاولگر محصول را بزور چماق اربان گردآوری میکنند و با تهدید بخانه خود میبرند. کشاورزان چاره را در مراجعه به پاسگاه و کمیته دیدند، زیرا خودشان قدرت مقابله با چماق بدستان را نداشتند.

اما در کمیته هم شکایت آنها رسیدگی نشد، زیرا سران کمیته از دوستان همان فتودال هستند. آیا باین ترتیب می توان دهقانان لکن کیشان شاندرمن را به نتایج انقلاب و اثر بخشی ارگانهای مهمی چون کمیته های انقلاب امیدوار ساخت؟ دهقانان این ده بخانه های خود ناامید بازگشته اند، ولی مسئله پاکسازی کمیته ها، بویژه جهت دادن آنها بدفاع از منافع زحمتکشان و دفع حملات و زورگوییهای مالکان، از مسائل مهم امروز جامعه است.

## مقامات محلی و دولت باید بخواسته های دهقانان «سیامرد» توجه کنند

در ده «سیامرد» واقع در نزدیکی شاندرمن، اکثریت دهقانان هنوز بیسوادند و با وجود علاقه ای که بخواندن و نوشتن و مطالعه دارند، وسیله ای در اختیار ندارند. اکثر آنها، بر اثر شدت کار و محیط حاکم، از دنیای خارج از کشور و استان خود بی اطلاع هستند و بقول یک دهقان: «اغلب مایشت از بازار شاندرمن جانی رانده ایم». در این ده نه آب آشامیدنی هست، نه برق و نه وسیله رفت و آمد. وضع رفاهی و معیشتی دهقانان ایجاب میکند که مقامات محلی و دولتی توجه بیشتری به ده «سیامرد» بکنند. اما بانک تعاونی اسسال حتی همان دو هزار تومان وام سابق را هم نداد و مبلغ وام را به هزار تومان تقلیل داد، که البته دردی را از دهقانان دوا نمیکند. تازه همین وام را هم بکسانی میدادند که بدهکاری نداشتند و چنین افرادی در ده بسیار نادرند. دهقانان البته بیکار نمی نشینند زیرا میدانند که

# بمناسبت سالگرد شهادت توجرحیدری بیگوند...

بقیه از صفحه ۱

و انقلابی را بر زمین ریختند. مبارزی که نمره عمر کوتاهش از او ستاره تابناکی در آسمان جنبش انقلابی ایران ساخته بود.

**توجرحیدری بیگوند**

از آن گروه مبارزان جوانی بود که با انگیزه های والای انسانی، با عشق سرشار به زحمتکشان و ایمان خدشه ناپذیر به آرمانهای سوسیالیستی، در دورانی که رژیم وابسته ضد خلقی شاه مخلوع برای حفظ منافع غاصبان خویش، رذیله ترین شیوه ها را بر علیه مردم بکار بسته بود و سازمان آمرمی ساواک هر گونه ندای آزادیخواهی را به وحشیانه ترین شکل سرکوب میکرد، بمبارزه بی امان و قطعی با آن دست زدند و به سن درخشان جانفروزی و فداکاری و ایثار بیدریغ جان در راه اهداف انسانی، که در مبارزات مردم ما جانی دیرپا و استوار دارد، جان تازه ای بخشیدند.

این شور فداکاری و آزادیگری، که بسرعت در میان بخش بزرگی از جوانان و بویژه دانش آموزان و دانشجویان جامعه ما رسوخ کرد، از یک طرف بیانگر زوال محتوم رژیم بود که می کوشید با حیوانی ترین و رذیله ترین وسایل، همه راه های مبارزه را مسدود و خلق ما را سرکوب کند، و از طرف دیگر از انرژی انقلابی عظیمی در بطن جامعه ما خبر میداد که هیچ نیروی در مقابل فوران آن قادر به مقابله نخواهد بود.

این ایمان و اعتقاد به روزی توده های مردم و آمادگی تحسین انگیز برای فدا شدن جان در این راه مقدس، در توجرحیدری بیگوند، اندیشه ای پویا و نقاد، استعداد شگرف در مسائل نظری، صداقت و شجاعت در بازیابی و تصحیح مواضع

**توجرحیدری بیگوند**

تبلوغ مسلحانه، انحراف از مارکسیسم - لنینیسم - انحراف از گرافدوربرگستهای که نقش مهمی در تصحیح برخی نظریات غیر مارکسیستی در میان مبارزان جوان پور راه طبقه کارگر ایفا کرد، راهی را که خود برای دستگیری به جوهر آموزهای مارکسیسم لنینیسم طی کرده - تشریح نموده است.

در این اثر، توجرحیدری بیگوند و صداقتی بی پایان، که در میان سطور آن موج مینماید، با مخاطب قراردادن هم زمان خویش، آنها را به داوری درباره دشواریها و مضامینی که در راه پیوند با طبقه کارگر با آنها روبرو هستند، فرا میخواند و بسا استفاده از متون معدودی که از کلاسهای مارکسیسم - لنینیسم در اختیار دارد و با بکار انداختن استعداد شگرف خویش در تحلیل و جمع بندی تجارب زندگی و مبارزه خود، یک بیک ناسازگاریهای «تئوری تبلیغ مسلحانه» را بر می شمارد و کاستیهای

آنها مدلل میسازد. توجرحیدری بیگوند سوسیالیسم واقعا موجود و از دستداران صادق اتحاد شوروی، زادگاه سوسیالیسم و مستحکمترین سنگر زحمتکش جهان بود. او بخوبی به تأثیر خرابکارانه ای که «مائوئیسم» در نظریات او و هم زمانش باقی گذاشته بود، آگاه بود و در مبارزه با این نظریه ضد مارکسیستی، تا پای جان زندگی کوتاه، ولی پر بار خویش، نقش فعال و کوشائی داشت.

زندگی، مبارزات و اندیشه های توجرحیدری بیگوند، نقش مهمی در تصحیح نظریات بخشی از هم زمانان او، کمپس به حزب توده ایران پیوستند و در صفوف آن به مبارزه خویش ادامه دادند، ایفا کرد.

یادش گرامی باد و آرمانش پیروز!

## اعتراض کاردار سفارت...

بقیه از صفحه ۱

گوشها برسانند.

راستی چه شده است که امپریالیستهای امریکائی، که در تمام طول جنایات شاه مخلوع، که حاصل آن فقط تیر باران نزدیک به ۲ هزار زندیده مسلمان و کمونیست بود، مهر سکوت بر لب زده بودند، اکنون در برابر عوامل همان جنایات، بی دردی «اعتراض» میکنند و اعدام انقلابی هویدها، القائیانها، مطبوعه ها و... را عملی مخالف حقوق بشر میدانند؟ باید گفت که امپریالیسم امریکا از این تبلیغات در سطح جهانی استفاده میکند، تا خود را مدافع حقوق بشر، نشان دهد و با این وسیله چهره کریه خود را بپوشاند. علاوه بر این، هدف امپریالیسم امریکا، اینبار، از زبان کاردار سفارت امریکا در تهران، از این تبلیغات در ایران، دلگرم کردن ضد انقلاب است. در واقع امپریالیسم با این طریق به بازماندگان رژیم سابق خود اعلام میکند که «ما پشتبان شما هستیم. به مبارزه با انقلاب ایران ادامه دهید».

امپریالیسم جنایت پیشه امریکا، تا وقتی ریشه های سلطه اقتصادی، نظامی و سیاسی و فرهنگی آن در ایران قطع نشده است، به این توطئه ها ادامه خواهد داد. تنها قطع ریشه های امپریالیسم امریکا در ایران، از طریق لئو قراردادها و اسارت بار، از جمله قرارداد درجانبه نظامی، قادر است امریکا را به معنای واقعی از مداخله در امور ایران بازدارد. این واقعیت را قبل از همه باید مسؤلان امور بدانند و بر اساس آن عمل کنند.

# نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به: شورای انقلاب - دولت موقت جمهوری اسلامی ایران - دادگاههای انقلاب درباره شهادت رفقا آذرنوش مهدویان و حسین شیانی

بقیه از صفحه ۱

حتی این دلیل واهی نیز وجود نداشته است. در اعلام جرمی که از جانب مهوش مهدویان (حیدری) همسر رفیق شهید آذرنوش مهدویان انتشار یافته، با ذکر دلائل گفته میشود که در آن روزها همسر وی هرگز به پاوه نرفته و همیشه در کرمانشاه سر خدمت حاضر بوده است. اعدام وی خیلی قبل از ورود قوای انتظامی به پاوه و قبل از هر گونه تحقیق در محل انجام گرفته و تحقیقات در مورد رفیق شهید (البته اگر تحقیقاتی شده باشد) آنقدر سطحی و بی پایه بوده است که حتی شغل مهدویان را هم بدرستی نمیدانستند و جسد وی را بعنوان یک نفر دبیر تحویل سردخانه پزشکی قانونی دادند!

از همه بدتر و نشانه دیگر ظالمانه بودن اعدام دور رفیق نامبرده، عذر بدتر از گناهی است که آقای محمدعلی رازی زاده، حاکم کرمانشاه، برای توجیه این اعدامها آورده است. آقای رازی زاده از جمله در مورد آذرنوش مهدویان گفته است که وی «عضویت حزب توده را داشته» و «حتی... در لحظات قبل از اعدام شمار حزب توده را میداد» (کبهان - ۳ مهر) ما از این «دلیل» اتهام آقای رازی زاده عمقا متأثر و متحیریم. چگونه می توان عضویت در یک حزب قانونی و علنی و مبارز و انقلابی را دلیل برای اتهام و مجازات، آنهم مجازات اعدام، قرار داد؟

تصدیق باید کرد که وجود یک چنین محیطی در دادگاه انقلاب، سهمای این دادگاه را، که باید مدافع راه حق و عدالت باشد و از انقلاب و انقلابیون راستین دفاع کند، تیره میسازد و نمیتواند عواقب غیر قابل پیش بینی بار آورد. ممکن بود این قتلهای فجیع و اسفانگیز را نتیجه اشباع و زیادتها چکی و یا هر چه در کار بشماریم. ولی با توجه به چرخش ناگوار که مدتی است در محیط سیاسی کشور پدیدار گشته و ما بموقع خود در این باره هشدار دادیم، حق داریم قاطعانه بگوئیم که اعدام رفقای مبارز مادر کرمانشاه، یک عمل عمدی و حلقه ای از زنجیره

تهاجم و توطئه ای بود که در ماههای اخیر از جانب نیروهای راست گرا و ایادی امپریالیسم و صهیونیسم و عمال رژیم سرنگون شده پهلوی علیه نیروهای چپ اصول و بویژه حزب توده ایران آغاز گردیده است. شاید شخص رئیس دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه و حاکم شرع و اکثریت اعضای این دادگاه از حقیقت امر بی اطلاع باشند و ندانند که آنها به تحریک دشمنان انقلاب، فتوای اعدام چند مبارز انقلابی، پدران بیکناه چندین خانواده انقلابی را صادر کرده و حیثیت سیاسی چندین خانواده انقلابی را لکه دار نموده اند. ولی بهر حال حیرت انگیز و تأسف آور است که حاکم شرع کرمانشاه این جنایت را، بسا اعتراف اعدام شدگان به عضویت در حزب توده ایران توجیه کرده است.

هر قدر سیاست و عمل حزب توده ایران را، خواه قبل از انقلاب و خواه پس از پیروزی آن، مورد کاوش و بررسی قرار میدهیم، فقط باین نتیجه میرسیم که اگر طبق منطق و عدالت رفتار شود، نظام جمهوری اسلامی ایران باید حزب توده ایران را یار و مددکار و یکی از سنگرهای شکست ناپذیر انقلاب مردم رنج دیده ایران بداند و با آن مناسباتی در خور این مقام داشته باشد. حزب توده ایران همواره، هم در گفتار و هم در کردار بطور قاطع، اصولی و بیکیفر از سمت واقعا انقلابی و واقعا ضد امپریالیستی و واقعا ضد استبدادی انقلاب و رهبری آن پشتیبانی و دفاع کرده است. در مقابل حوادث ناگوار ضد توده ای و ضد دیگر نیروهای اصیل چپ قطع میتوانیم ایستادگی کنیم، که نیروهای شیطانی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، و صهیونیسم و بقایای رژیم پهلوی، چون گرگان زخم خورده در انتظار فرصتند. آنانکه میکوشند تا اوقات و فکرو نیروی دستگاههای دولتی جمهوری اسلامی ایران را متوجه مخاصمه و مقابله و فشار علیه نیروهای چپ راستین سازند، بزبان انقلاب عمل میکنند.

حزب توده ایران بر مبنای برداشت علمی خود از کنه انقلاب ایران، در صفا همه نیروهای خلقی، مدافع و پشتیبان انقلاب خلق رنج دیده ایران بوده و هست و هیچ تحریک و توطئه ای نمیتواند آنرا از راه اصولی خود منحرف سازد. طبقا از رهبران، زمامداران و مسؤلان جمهوری اسلامی ایران نیز انتظار برخورداریم که بر طبق اصول عدالت و منطق و جوابگوی برخورد درست و اصولی حزب توده ایران باشد.

ما بوجود مبارزان قهرمانی چون مهدویان و شیانی، که با فریاد «زنده باد حزب توده ایران» در برابر جوخه اعدام سپهسیر کردند و با خواندن سرود حزبی به آغوش شهادت رفتند، افتخار می کنیم. تاریخ نیز نام پرافتخار آنان را هرگز فراموش نخواهد کرد. آفتاب گشتن پرچم پرافتخار انقلاب ایران به خون ناحق چنین رادمردانی، سزادار و لایق نام و مقام گرامی این انقلاب نیست.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۰ مهرماه ۱۳۵۸

شماره اول ۱۳۵۸

**رفقا**

نشریه سیاسی و تئوریک  
کمیته مرکزی  
حزب توده ایران  
منتشر شد

«مردم»  
ارگان مرکزی  
حزب توده ایران  
نشانی: خیابان ۱۶ آذر،  
شماره ۶۸  
تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸  
چاپ: کویان

# ملاك انقلابی بودن و ضد انقلابی بودن چیست؟

انتساب افراد و گروه‌ها به «انقلابی» یا «ضد انقلابی» بودن، علیرغم عواقب بزرگی که چنین انتساباتی دربر دارند، متأسفانه آسان و بدون مسئولیت انجام میگردد. باید دید ملاک چنین انتسابی چیست؟ آیا هر کس یا هر مرجعی حق دارد هر مطلبی را که موافق فکر و نیت خود بیابد یا نیابد، انقلابی یا ضد انقلابی بنامد؟ انقلابی بودن یا ضد انقلابی بودن در زمان ما، در جامعه ما، دارای ملاک‌هایی روشن است که قضاوت بر پایه آن، منطقی و عادلانه است و بدون توجه به آن، قضاوت به خطا می‌رود.

در ایران، انقلابی علیه رژیم گذشته صورت گرفته، که منجر به سقوط آن شده است. چرا مردم با رژیم گذشته مخالف بودند؟ آیا برای آنکه این رژیم دارای سمت گیری چپ و تمایلات کمونیستی بود؟ آیا برای آنکه آن رژیم به کشورهای سوسیالیستی «وابستگی» داشت؟ یا بکلی برعکس، بدلیل آنکه رژیم دارای تمایلات استبدادی و فاشیستی بود و از دستورهای امپریالیسم و برآس آن امپریالیستهای آمریکا و انگلیس اطاعت میکرد و با صهیونیسم همکاری صمیمانه داشت؟ تصور می‌رود پاسخ باین سؤالات بر همه کسانی که در کشور ما زندگی میکنند، مانند آفتاب روشن است.

پس چه شده، که گاه در نزد برخی افراد سازمان‌هایی که با سلطنت استبدادی و امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه کرده و میکنند، به نیروهای «ضد انقلابی» و «خوابکار» و «توطئه گر» بدل میشوند؟ روشن است که ما از افراد و گروه‌هایی چپ‌رو و چپ‌نما، که تحت شعار دفاع از کارگران یا دفاع از حقوق خلق‌های ایران، دانسته یا نادانسته، آلت دست سیاسی قرار می‌گیرند و آگاهانه یا غیر آگاهانه آب در آسباب امپریالیسم و ارتجاع میریزند، سخن نمی‌گوئیم. منظور ما کسانی هستند که ایدئولوژی تحول انقلابی و بنیادی جامعه را پذیرفته‌اند، در روند انقلاب ایران سال‌ها در آتش کت داشته‌اند و فداکاری کرده‌اند، به جمهوری اسلامی رأی داده‌اند، از رهبری انقلاب حمایت بعمل آورده‌اند، در هیچ‌گونه توطئه‌ای علیه انقلاب ایران کوچکترین دخالتی نداشته‌اند، بلکه برعکس، آن توطئه‌ها را طی انواع زنهاش افشاء کرده‌اند و انتقادات آنها همیشه دلسوزانه، سازنده، مستند و نهی از افراط شخصی بسوده است، یعنی وجود و فعالیت آزادانه آنها برای تحکیم انقلاب از هر باره ضرور است.

بسروری چه اساس، این افراد و سازمان‌ها به دسه و توطئه و ضد انقلابی بودن متهم میشوند. مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرند،

# اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران: رفیق علی امیر خیزی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و یکی از پیش کسوتان جنبش کارگری ایران درگذشت

با اندوه و تأسف فراوان اطلاع یافتیم که رفیق علی امیر خیزی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، منتخب از دومین کنگره حزب، در سن ۸۶ سالگی، پس از سی سال مهاجرت، در شهر مسکو، زندگی را بدرود گفت.

رفیق علی امیر خیزی که نیرو و نشاط حیاتی خود را تا آخرین روزهای زندگی حفظ کرده بود، بویژه پس از پیروزی انقلاب بزرگ مردم ما بر سلسله شوم پهلوی، امید فراوان داشت که بدیدار مهربان خود با در بیکر توفیق یابد. افسوس که مرگ او را دریافت و این آرزوی عادلانه و بحق او برآورده نشد.

رفیق علی امیر خیزی در سال ۱۲۷۶ شمسی، در شهر تبریز، در محله امیر خیز، متولد شد، جریان انقلاب مشروطیت ایران، که در آن برادر ارشدش شرکت فعال داشت، در دوران نوجوانی او (بین ۱۳ سالگی تا ۱۸ سالگی) گذشت و وی در کنار برادر، گرمای شعله‌های این انقلاب را از نزدیک احساس کرد و از آن خاطرات فراوان داشت.

امیر خیزی در جنبش ملی‌شادروان شیخ محمد خیابانی و سپس جنبش گیلان شرکت داشت و از همین تاریخ زندگی سیاسی و انقلابی آگاهانه‌اش آغاز میشود. وی با گردان انقلاب ما تندستارخان و حیدر عموافلی از نزدیک آشنا بود. پس از تأسیس حزب کمونیست ایران، رفیق امیر خیزی بدان پیوست و طی قریب شصت سال از عمر خویش را در صفوف حزب طبقه کارگر ایران گذراند.

دردوران رضاشاه، رفیق امیر خیزی به سبب فعالیت‌های سیاسی خود زندانی و تبعید شد. وی پس از سقوط رژیم استبدادی رضاشاه و بازگشت از تبعید، در صفوف حزب توده

دوستان و هم‌زمان امیر خیزی، با درگذشت او، یک دوست و رفیق با تجربه و مهربان را از دست دادند و حزب یکی از پیش کسوتان اندک جنبش کارگری ایران را، که امثالشان اینک کم‌شمارند.

ما از صمیم قلب به بانو امیر خیزی، که پس از تحمل یک دوری سی ساله و علیرغم مساعد شدن شرایط، متأسفانه به دیدار یار زندگی خود موفق نشد و نیز فرزندان و خویشان آن‌شادروان و همه رفقای حزبی و همه دوستان وی تسلیت می‌گوئیم.

نام علی امیر خیزی در دفتر جاویدان خدمتگزاران خلق و جنبش زحمتکشان ایران ثبت خواهد بود. زنده و روشن بادیاد او!

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
مهرماه ۱۳۵۸

دردوران رضاشاه، رفیق امیر خیزی به سبب فعالیت‌های سیاسی خود زندانی و تبعید شد. وی پس از سقوط رژیم استبدادی رضاشاه و بازگشت از تبعید، در صفوف حزب توده

دردوران رضاشاه، رفیق امیر خیزی به سبب فعالیت‌های سیاسی خود زندانی و تبعید شد. وی پس از سقوط رژیم استبدادی رضاشاه و بازگشت از تبعید، در صفوف حزب توده

دردوران رضاشاه، رفیق امیر خیزی به سبب فعالیت‌های سیاسی خود زندانی و تبعید شد. وی پس از سقوط رژیم استبدادی رضاشاه و بازگشت از تبعید، در صفوف حزب توده



# ملاقات وزیران امور خارجه اتحاد شوروی و ایران

آندره گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی، با دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه ایران، در نیویورک ملاقات و گفتگو کرد. در این دیدار مسائل مربوط به مناسبات دوجانبه شوروی و ایران مورد بحث قرار گرفت. وزیران امور خارجه دو کشور همچنین برخی مسائل بین‌المللی و مسائل مربوط به کار اجلاس کنونی مجمع عمومی سازمان ملل متحد را بررسی کردند.

## روابط شوروی و چین

در مسکو ملاقات‌های مهمی هیئت‌های نمایندگی دولت اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین برگزار شد. طرفین درباره انجام مذاکرات توافق حاصل کردند. موافقت شد که این مذاکرات به نوبت در مسکو و پکن انجام گیرد.

## کارزار تبلیغاتی ضد کوبانی در آمریکا

خبرگزاری تاس در مورد کارزار تبلیغاتی ضد کوبانی در آمریکا تفسیری منتشر ساخت که در آن گفته میشود، با اینکه پرسنل نظامی شوروی در کوبا نه از لحاظ تعداد و نه از لحاظ وظایفی که دارند برای آمریکا و یا کشور دیگری نمیتواند هیچ‌گونه خطری داشته باشند، اما محافل تبلیغاتی آمریکائی این کارزار را دامن‌میزند. در تفسیر خبرگزاری تاس ذکر شده است که این تبلیغات فقط میتواند نوع حل مسائل بین‌المللی و گسترش موفقیت آمیز مناسبات دو کشور گردد. مفسر تاس مینویسد: هفده سال پیش هم محافل تبلیغاتی آمریکائی، به بهانه حضور پرسنل نظامی شوروی در کوبا یک چنین کارزار تبلیغاتی ضد شوروی و ضد کوبا برآوردند. رئیس جمهور آمریکا، جیمی کارتر، با اینکه در سخنان چندی پیش خود اذعان کرده بود که پرسنل نظامی شوروی، که در کوبا هستند، هیچ‌گونه خطری برای آمریکا ندارند، مع الوصف اکنون ماشین عظیم تبلیغاتی آمریکا علیه کوبا و پرسنل نظامی شوروی در آن کشور بکار افتاده است.

## دارو دسته پل پوت نماینده کامپوچیا نیست

روزنامه «نیان دان» چاپ هانوی نوشته است که واگذاری مجدد مقام کامپوچیا در سازمان ملل متحد به نمایندگی دارو دسته رژیم سرنگون شده پل پوت، با منشور این سازمان و منطق مغایرت دارد. این تصمیم مجمع عمومی، که در نتیجه توطئه‌های آمریکا و چین اتخاذ گردیده است، میتواند برای حیثیت این سازمان و همچنین صلح و ثبات در منطقه آسیای جنوب شرقی عواقب نامطلوبی در پی داشته باشد. بسیاری از نمایندگان در جریان بحث‌های عمومی پیرامون مسئله نمایندگی کامپوچیا لزوم اخراج نماینده دارو دسته پل پوت را متذکر شدند.

# وضع مستمري بگیران سازمان تأمین اجتماعی

کارگرانی که بیمه هستند، هنگام بازنشستگی معمولاً از سازمان تأمین اجتماعی، حقوق بازنشستگی (مستمری) خود را دریافت میکنند. و این مستمری، پس از فوت آنها، به همسر (تازمانی که ازدواج نکرده است) و دو تن از فرزندان (تازمانی که اشتغال به تحصیل دارند) پرداخت میشود. به علت حق کتبی‌ها و ضعف سهم سازمان تأمین اجتماعی، ۹۵٪ این مستمری بگیریان، پس از سالها (حتی ۲۰ یا ۳۰ سال کار، همراه با پرداخت حق بیمه) و به علت حق کتبی از طرف کارفرمایان و حمایت آگاهانه و غیر مستقیم سازمان تأمین اجتماعی از کارفرمایان از قبیل نفرستادن بازنس به کارگاه‌ها و تعیین حداقل دستمزد به عنوان تعرفه، در نتیجه پرداخت کمتر حق بیمه از طرف کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی، کارگران بر اساس حداقل دستمزد مستمری بازنشستگی خود را دریافت میکنند. قابل توجه است که ۹۵٪ مستمری بگیریان راهم همسر و فرزندان کارگران تشکیل میدهند و فقط ۵٪ آنها به سن بازنشستگی میرسند و شخصاً مستمری بازنشستگی دریافت میکنند، ولی آنها هم به زودی فوت میکنند.

تأمین ماه ۱۳۵۸، مبلغ این حداقل دستمزد ۶۳۰۰ ریال بود، که همیشه مورد اعتراض مستمری بگیریان بود. البته این رقم ۶۳۰۰ ریال هم، پس از افزایش یک ضریب بود و چند ماه قبل از آن، مثلاً در سال گذشته، کمتر از این میزان بود.

از مرداد ماه ۱۳۵۸، با افزایش این حداقل دستمزد به ۱۷۰۰۰ ریال و پرداخت آن از فروردین ماه ۱۳۵۸، موجی از شادمانی در میان

مستمري بگیریان بوجود آمده است، زیرا مبلغ دریافتی اینک حدود ۲/۵ برابر دریافتی آنها در تیرماه یا اسفندماه است. اما از آنجا که طبق سنت‌های خاص ایرانی، این همسران (عمده مستمری بگیریان را زن‌های بیوه تشکیل میدهند) پس از فوت همسر ازدواج نمیکند، و معمولاً هر یک از ۲ تا ۶ و گاه ۸ فرزند هم دارند، با توجه به تورم موجود و اصولاً بالا بودن هزینه زندگی، اگر چه این مبلغ ۲/۵ برابر مبلغ قبلی، اما همچنان پاسخگوی کامل نیازهای خانوادگی این مستمری بگیریان نیست. هنوز هم بخش عمده این مبلغ را به کارخانه میدهند، و هنوز هم بخشی از مخارج خود را کسر می‌آورند و بناچار تعدادی از این همسران مستمری بگیر، برای تأمین کسری مخارج خود، کار میکنند.

# «مردم» روزانه شد

هموطنان! رفقای حزبی! هم‌سوادان و دوستان حزب! با آغاز سی و نهمین سال تأسیس حزب توده ایران، روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب، بغیر از روزهای تعطیل، روزانه منتشر میشود. انتظار داریم که با کمک معنوی و مادی به «مردم» و بویژه بخش هر چه وسیعتر آن، به انجام وظایف خطیری که «مردم» در پیشبرد مشی حزب و در دفاع از انقلاب بزرگ مردم ایران بر عهده دارد، یاری رسانید.

# «مردم»

مستمري بگیریان بوجود آمده است، زیرا مبلغ دریافتی اینک حدود ۲/۵ برابر دریافتی آنها در تیرماه یا اسفندماه است. اما از آنجا که طبق سنت‌های خاص ایرانی، این همسران (عمده مستمری بگیریان را زن‌های بیوه تشکیل میدهند) پس از فوت همسر ازدواج نمیکند، و معمولاً هر یک از ۲ تا ۶ و گاه ۸ فرزند هم دارند، با توجه به تورم موجود و اصولاً بالا بودن هزینه زندگی، اگر چه این مبلغ ۲/۵ برابر مبلغ قبلی، اما همچنان پاسخگوی کامل نیازهای خانوادگی این مستمری بگیریان نیست. هنوز هم بخش عمده این مبلغ را به کارخانه میدهند، و هنوز هم بخشی از مخارج خود را کسر می‌آورند و بناچار تعدادی از این همسران مستمری بگیر، برای تأمین کسری مخارج خود، کار میکنند.

# قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد